

# هشدار امام!

(... دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است (...)

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاسی. انجمنی. فرهنگی

سال سی و سوم / شماره ۱۳

شماره مسلسل ۱۴۳۶

نیمه اول مهر ماه ۱۳۹۱

۳۰۰ تومان

## واکنش رهبر انقلاب نسبت به اظهار

### نظرهای غلوآمیز درباره ایشان

پایگاه اطلاع رسانی khamenei.ir کلیپ صوتی واکنش رهبر معظم انقلاب نسبت به اظهار نظرهای غلوآمیز درباره ایشان تحت عنوان 'نوح کشتی بان' را منتشر کرد.

حضرت آیت الله خامنه ای در سخنانشان در دیدار نیروهای مسلح شمال کشور و خانواده های آنان در نوشهر فرمودند: 'مبادا آن صفاتی، خصالی، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، اینها را تنزل بدهیم در سطح انسانهای کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر'.

در این کلیپ صوتی چهار دقیقه ای، از بیانات حضرت امام خمینی در ۴ خرداد ۱۳۵۹ و بیانات رهبر انقلاب در ۱۳۸۰/۸/۱۲، ۱۳۸۸/۳/۲۹، ۱۳۹۱/۶/۲۸ استفاده شده که متن این سخنان به شرح زیر است:

#### بیانات حضرت امام خمینی (ره)

من خوف این را دارم که مطالبی که آقای حجازی (۱) فرمودند درباره من، باورم بیاید. من خوف این را دارم که با این فرمایشات ایشان و امثال ایشان برای من یک غرور و انحطاطی پیش بیاید. من به خدای تبارک و تعالی پناه می برم از غرور. من اگر خودم را برای خودم نسبت به سایر انسانها یک مرتبیتی قائل باشم، این انحطاط فکری است و انحطاط روحی. من در عین حال که از آقای حجازی تقدیر می کنم که ناطق برومندی است و متعهد، لکن گله می کنم که در حضور من مسائلی که ممکن است من باورم بیاید فرمودند.

#### ۴ خرداد ۱۳۵۹

(۱) آقای فخرالدین حجازی، نماینده اول مردم تهران در اولین دوره مجلس شورای اسلامی. آقای حجازی، سخنرانی خود را با جمله 'بابی اُنت و اُمی' آغاز کرد و بقیه محتوای سخنرانی نیز در تجلیل از مقام والای امام بود که با گلایه شدید معظم له روبرو شد.

#### سخنان رهبر انقلاب

(۱) من به شما عرض میکنم، به همه هم این را میگویم و گفته ام و تکرار میکنم؛ مبادا آن صفاتی، خصالی، مناقبی که متناسب با وجود ولی عصر (ارواحنا فداه) هست، اینها را تنزل بدهیم در سطح انسانهای کوچک و ناقصی مثل این حقیر و امثال این حقیر. اینی که گفته میشود کسانی که در این سفینه سوارند، غم طوفان ندارند:

چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان

این نوح امام زمان است، اما با یک نگاه عمومی به طول تاریخ اسلام

وقتی نگاه کنیم - که سعدی هم با همان نگاه این شعر را گفته است -

وجود مقدس خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) نوح کشتیبان این امت

است. بله، این امت در طول تاریخ خود فراز و نشیبهایی داشته؛ گاهی به

گل نشسته، گاهی دچار ذلت شده، گاهی با مشکلات غیرقابل توصیفی

مواجه شده، دست به گریبان شده؛ این ناشی از این است که سوار کشتی

نشده. اگر واقعاً متمسک بشویم، متوسل بشویم بر کشتی نجات اسلام،

همراه پیغمبر باشیم، مسلماً پیروزی نصیب ماست. البته دریا طوفان

دارد، سختی دارد، مشکلات دارد، گاهی هراسهای بزرگ دارد، اما وقتی

کشتیبان بنده ی برگزیده ی خداست، معصوم است، آن وقت دیگر بیمی

وجود ندارد. این آن نکته ی کوتاهی بود که خواستم عرض بکنم؛ این

صفات را مخصوص بدانید به آن بزرگواران. نوح این کشتی اوست،

پشتیبان این امت اوست، واسطه ی فیض الهی به یکایک آحاد ما، به

دلهای ما، به جانهای ما، به ذنهای ما، به جسمهای ما، به حیات فردی و

اجتماعی، وجود مقدس خاتم الاوصیاء و در رتبه ی قبل از او، وجود

مقدس خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و آله) است.

بیانات در دیدار نیروهای مسلح منطقه ی شمال کشور و

خانواده های آنان ۱۳۹۱/۶/۲۸

ادامه در صفحه ۵

ریشه یابی عوامل استیزی غرب  
در گفتگو با استاد خسروشاهی:

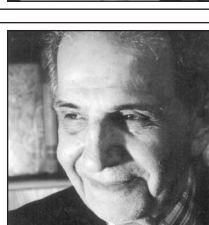
انگیزه های صلیبی  
صهیونی پشت این  
رویداد است



در پی اساتذۀ ادب به ساحت مقدس  
پیامبر رحمت

شمع جمع آفرینش

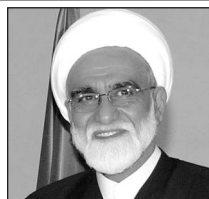
دکتر حسین رزمجو



گفتمان وحدت اسلامی

در کلام و سیره  
امام علی (ع)

حجت الاسلام والمسلمین معزی



آیت الله جوادی آملی:

اگر بین مسلمین و نان  
آنها جدایی افتاد  
دینداری مشکل می شود



حجت الاسلام والمسلمین  
دکتر سید محمد تقی:

وها بیت نشانه هایی  
از وندالیسم دارد



کلیسای کاتولیک، ۲۰۰

سال عقب تر از زمان  
حجت الاسلام والمسلمین دکتر

محمد مسجد جامعی



## ساخت ضریح امام حسین (ع) افتخاری برای مردم ایران است

گفتنی است در حاشیه این مراسم، استاد محمود فرشچیان طراح ضریح مطهر امام حسین (ع) که در حلقه خبرنگاران قرار گرفته بود، گفت: خداوند را شاکرم که به من این لیاقت و افتخار را داد که بتوانم این ضریح مطهر را طراحی کنم و امیدوارم که این کار از ما پذیرفته شود.

وی در گفت و گو با خبرنگاران گفت: در شرایط کنونی نمی توانم احساس شمع خود را از رونمایی ضریح مطهر امام حسین (ع)، بیان کنم.

وی ادامه داد: خداوند متعال را شاکر هستم که این توفیق حاصل شد و امروز شاهد این هستیم که در مراسمی باشکوه ضریح مطهر امام حسین (ع) رونمایی می شود.

طراح ضریح مطهر امام حسین (ع) در خصوص مدت زمان صرف شده برای طراحی ضریح مطهر امام حسین (ع) گفت: هرچه در این زمینه وقت گذاشته شود ارزشمند است و در این خصوص نمی توان سخنی گفت.

وی تصریح کرد: خداوند را شاکرم که به من این لیاقت و افتخار را داد که بتوانم این ضریح مطهر را طراحی کنم و امیدوارم که این کار از ما پذیرفته شود.

شایان ذکر است استاد محمود فرشچیان برای ضریح مطهر امام حسین (ع) روزانه ۱۴ ساعت وقت را صرف طراحی کرد و در هر شرایطی که ساخت و طراحی با مشکل مواجه می شد در کمترین زمان از آمریکا به قم آمده و مشکل را برطرف می کرد.



شیعی را منتشر و تبیین کردند و ما ایرانی ها مدیون ایشان هستیم.

دکتر لاریجانی تصریح کرد: مردم قم از جمله اشعری ها نقش بارز و پررنگی در گسترش احادیث اهل بیت (ع) داشتند و خوشبختانه در ساخت این ضریح مقدس نیز مشارکت بسیار خوبی داشتند و این افتخار را نصیب خود کردند.

رئیس قوه مقننه ساخت ضریح حضرت سیدالشهدا (ع) را تکریم و پاسداشت تفکر شیعی دانست و از تمامی دست اندرکاران، هیئت امانا و عوامل ساخت این ضریح که با قصد قربت و اخلاص این امر مهم را به سرانجام رساندند، تقدیر کرد.

نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه 'حق هم همین بود که این کار با عظمت و مقدس در شهری همچون قم صورت گیرد، تأکید کرد: ساخت ضریح ابا عبدالله علیه السلام به حق اقدامی ستودنی و شایسته و افتخاری عظیم برای تمام ایرانیان و شیعیان محسوب می شود و دست اندرکاران ساخت آن باید قدر این توفیقی که نصیب شان شده است را بدانند.

مراسم رونمایی از ضریح جدید حرم مطهر امام حسین علیه السلام، با حضور استاد فرشچیان، علی لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام معظم رهبری، نمایندگان بیوت مراجع، محسن رضایی دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، شخصیت های حوزوی و مسئولانی از ایران و عراق در قم برگزار شد.

در این مراسم که در مدرسه علمیه معصومیه قم برگزار شد، دکتر علی لاریجانی طی سخنانی ضمن تقدیر و تشکر از دست اندرکاران ساخت این ضریح مطهر، اظهار امیدواری کرد که این حرکت ارزشمند منشأ اثر برای اقدامات بزرگ تر باشد.

وی افزود: کسانی که امروز در عراق فعالیت می کنند به نمادهای دینی توجه کافی دارند و ان شاء الله بستر و زمینه را برای دیگر کارها فراهم کرده و خواهند کرد.

دکتر لاریجانی با بیان اینکه 'هنرمندان استان های مختلف به ویژه قم زیر نظر استاد فرشچیان این کار عظیم را به انجام رساندند، خاطر نشان کرد: مردم ایران از ابتدا محب اهل بیت (ع) بوده و نقش زیادی در این عرصه داشته اند.

رئیس مجلس شورای اسلامی در این مراسم همچنین با اشاره به فرارسیدن میلاد مسعود و مبارک حضرت ثامن الحجج، از تأثیرات شگرف حضور امام رضا (ع) در ایران سخن گفت و تأکید کرد: آن حضرت با مناظرات و اقدامات فرهنگی اندیشه اصیل

آیت‌الله حاج سیدمحمد مهدی موسوی خلخالی فرزند سیدفاضل در سال ۱۳۰۴ شمسی مصادف با ۱۳۴۴ هجری قمری در شهر رشت متولد شدند. ایشان پس از گذراندن دوران کودکی جهت تحصیل در حوزه علمیه در سال ۱۳۲۰ شمسی عازم نجف اشرف می‌شوند و در دروس سطح و سطح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) از محضر اساتید برجسته‌ای چون آیت‌الله شیخ مجتبی لنگرانی، آیت‌الله میرزا حسن یزدی، آیت‌الله شیخ مرتضی طالقانی و آیت‌الله شیخ محمد تقی ایروانی استفاده می‌کنند. ایشان سپس در درس خارج فقه و اصول از محضر آیت‌الله العظمی حکیم، آیت‌الله شیخ حسین حلی و به خصوص آیت‌الله العظمی خوئی (از سال ۱۳۲۵ شمسی تا سال ۱۳۳۹) استفاده می‌کنند و در شمار خصصین و شاگردان برجسته ایشان قرار می‌گیرند. آیت‌الله خلخالی همچنین در درس فلسفه آیت‌الله شیخ صدرا بادکوبه‌ای و درس تفسیر آیت‌الله‌العظمی خوبی شرکت می‌کردند. ایشان هم بحث آیت‌الله شهید شیخ مرتضی بروجرودی بودند و در درس خارج با بزرگان همچون حضرات آیات سیستانی، وحید خراسانی، میرزا علی فلسفی، میرزا جواد تبریزی، شهید صدر، سید علی شاهرودی، اسحاق فیاض و محمد تقی جوهری هم دوره و هم درس بودند.

آیت‌الله خلخالی در ایام حضور خود در نجف اشرف به تدریس سطح و سطوح عالی (ادبیات، لمعه، معالم، رسائل، مکاسب و کفایه) مشغول می‌شوند و سپس در شهر تهران اقامت می‌کنند و به انجام برنامه‌های علمی و تبلیغی خود می‌پردازند. ایشان در تهران سال‌ها به تدریس سطوح عالی (رسائل، مکاسب و کفایه) و درس خارج فقه و اصول جهت طلاب و روحانیون و امامت جماعت مسجد صدریه می‌پردازند و در این مدت به تأسیس کتابخانه عمومی و حوزه علمیه در تهران اهتمام می‌ورزند. آیت‌الله خلخالی پس از رحلت مرحوم آیت‌الله فلسفی در سال ۱۳۵۸ به درخواست جمعی از فضلا و طلاب عازم و ساکن مشهد مقدس می‌شوند و به تدریس درس خارج اصول در مدرسه آیت‌الله‌العظمی خوئی مشهد مشغول می‌شوند. درس خارج اصول ایشان هم اکنون از دروس پررونق حوزه علمیه مشهد محسوب می‌شود و طلاب بسیاری از محضر ایشان کسب فیض می‌کنند.

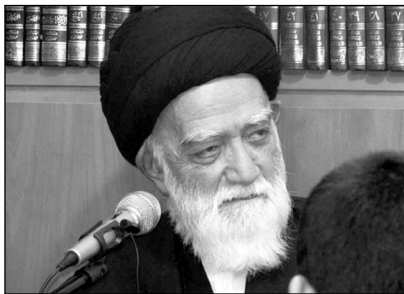
از ایشان کتاب‌هایی از جمله دوره فقه الشیعه (تقریرات خارج فقه آیت‌الله‌العظمی خوئی)، کتاب فقهی الرضاع، الانفال، حاکمیت در اسلام (در مورد ولایت فقیه بصورت فارسی و عربی)، شریعت و حکومت، تحریف ناپذیری قرآن، تقریرات کامل اصولی آیت‌الله‌العظمی خوبی و همچنین کتبی پیرامون مهدویت به چاپ رسیده است. آیت‌الله خلخالی در دوران انقلاب اسلامی همواره از مدافعین نهضت امام خمینی (ره) بوده و از مشاورین در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بشمار می‌روند.

\*\*\*

با تشکر از حضرت‌تعالی، ابتدا راجع به سیر تحصیلات خودتان توضیح بفرمایید.

قبل از این که راجع به خودم حرف بزنم، نکته‌ای را برای عموم طلاب عرض می‌کنم. خداوند متعال می‌فرماید: يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ؛ در این آیه مبارکه یک نکته مهمی است که ایمان از شما: آمنوا منکم، اوتوا العلم؛ اگر شما آن مقام ایمان را تحصیل کردید، ما هم به شما علم را می‌آموزیم، چون: العلم نور یقذفه الله فی قلب من یشاء. مطلب

## تفقه مطلوب



### حضر تعالی تحصیلات خود را در کجا شروع کردید؟

در نجف اشرف، من فرزند نجف هستم، از چهار سالگی پدرم که از علمای بزرگ رشت بود از دنیا رفتند و ما بعدها برحسب سفارش مرحوم عموی مان آیت‌الله العظمی آقا سید محمد خلخالی، در خدمت مادر و خانواده و فامیل مادری به نجف رفتیم.

### چه سالی بود؟

سالش را الان به دقت نمی‌دانم. تولد من ۱۳۰۴ بود، آن هم شاید ۱۳۲۰ باشد، آنجا دوران ابتدائی را گذراندیم، بعد وارد درس‌های بالاتر شدیم. کفایه را درس مرحوم آقا شیخ مجتبی لنگرانی که از علمای بزرگ و شاگردهای مرحوم نائینی و مرحوم آقاضیاء بود، شرکت می‌کردم. مکاسب را نزد مرحوم آقامیرزا حسن یزدی که ایشان هم از علمای بزرگ و شاگردهای مرحوم آقای ضیاء عراقی بود؛ خواندم. اینها هم واقعاً در اخلاق، ادب، تواضع و فروتنی نمونه بودند. با طلبه‌ها خیلی پدرانه برخورد می‌کردند، در بحث خیلی آمادگی داشتند و خوشحال می‌شدند که ماها حرف بزنیم و سؤال کنیم، می‌گفتند ما نمی‌خواهیم منبر برویم، حرف بزنید، اشکال کنید. از این طریق طلبه‌ها را تربیت می‌کردند، مخصوصاً آقا شیخ مجتبی لنگرانی خدا رحمتش کند، خیلی خوش اخلاق و متواضع بود، خیلی هم مزاح می‌کرد.

بعد درس خارج را حدود شش ماه درس مرحوم آیت‌الله حکیم و درس آقا شیخ حسین حلی شرکت کردم و از همان اول ملتزم درس آیت‌الله خوئی بودم. دو دوره اصول ایشان را نوشتم، مکاسب و طهارت را نوشتم، بعضی‌هایش چاپ شده یا در شرف چاپ شدن است. ایشان هم خیلی در تربیت شاگرد خوش اخلاق بود و شاگرد را تحویل می‌گرفت، سؤال و جواب می‌کرد و در این جهات خیلی مشوق بود، از جهت اخلاقی هم خیلی اخلاق گیرا داشت، پر صحبت و اهل گعده بود. بالاخره الحمدلله تا آنجایی که توانستیم در خدمت اساتید بودیم و بعد به ایران آمدیم.

### چه سالی به ایران تشریف آوردید؟

سال ۴۴ مدتی در تهران در مسجد صدریه مشغول بودیم، مسجد معروفی در تهران بود. البته در تهران آن جهتی که من راغب بودم یعنی تدریس و بحث، فراهم نبود به جهت اینکه تهران شهر خیلی بزرگی است تا وقتی طلبه‌ها بخواهند بیایند خیلی وقت گرفته می‌شود، معمولاً طلبه‌های خوب و فاضل به قم می‌رفتند ولی آنهایی که امام جماعت بودند یا در تهران منبر داشتند، عده‌ای می‌آمدند منزل ما و ما هم مشغول بودیم، هم می‌نوشتیم و هم تدریس می‌کردم، بعد بحمدالله توفیق حاصل شد آمدم مشهد و الان چند سالی است که اینجا هستم.

### چه شد که مشهد را انتخاب کردید؟

بعد از فوت آقای فلسفی به این جهت اصرار شد و خود من هم از اول خیلی علاقه داشتم که در مشهد مشرف باشم و به طلبگی خودمان مشغول باشم و این پیشامد هم شد. مشهد طلبه‌ها و محصل‌های خیلی خوبی دارد، واقعاً امتیاز هم دارند، در درس شرکت می‌کنند، می‌نویسند و چاپ می‌کنند.

### چطور حوزه قم را انتخاب نکردید؟

بله، همین‌طور بود، حقیقت هم این بود که من حوزه قم باشم، حالا مرور زمان اقتضاء کرد که ما

مشهد باشیم، البته علاقه خاصی به مشهد و حضرت دارم. شاید در خدمت ایشان بودن راه نجاتی باشد. در آخرین ساعت امید این باشد که حضرت عنایتی بکنند. همین.

زمانی که شما وارد حوزه نجف شدید، سیستم حوزه به چه شکلی بود، برنامه‌ای داشته یا نداشته است؟

برنامه خاصی نبود، طلبه‌ها بعد از تحصیل مقدمات، کتاب‌های معمول رسائل و مکاسب و اینها را می‌خواندند و بعد هم در درس‌های خارج حضور پیدا می‌کردند، شکل خاصی نبود، حتی امتحان هم نبود ولی وجدان تحصیل بود. به این معنی که اگر ۳-۴ نفر اهل علم در یک جایی جمع می‌شدند، صحبت علمی می‌شد، همه مشغول بودند یا درس می‌گفتند یا درس می‌رفتند. اگر شبیه‌ای در ذهنشان می‌بود همان را عنوان می‌کردند و با هم بحث می‌کردند. صحن مقدس پر بود از طلبه‌ها، غلغله و سروصدا بود، مسجد هندی مسجدی جامع در نجف است که همه بزرگان آنجا درس می‌گفتند، این مسجد غلغله‌ای بود از درس، بحث و مباحثه.

### زعامت حوزه نجف آن زمان با چه کسی بود؟

من آن زمان مرحوم آقا سیدحسین حلی را درک کردم، بعد از ایشان مدت خیلی کمی ۳-۴ ماه هم مرحوم آیت‌الله قمی بودند، بعد از آن به آقای حکیم منتقل شد و آقای شاهرودی و آقای شیرازی، بعد کم کم به آقای خوئی منتهی شد.

### شما در بین این بزرگان با چه ملاکی درس مرحوم آقای خوبی را انتخاب کردید؟

آقای خوئی خیلی خوش بیان بود. بد نیست قصه‌ای نقل کنم؛ ما با آقایان سیستانی، وحید و مرحوم سید محمدباقر صدر و آقای فلسفی هم دوره بودیم، یک شب آقای سیستانی گفتند ما الان دوره دوم است که در درس شرکت می‌کنیم، خوب است به آقا بگوییم فکر بیشتری بکنید و مطالب جدیدی عنوان بکنید که هم برای ما که دوره دوم است، مطالب جدیدی باشد و هم آنهایی که دوره اولشان است استفاده می‌کنند، گفتیم این حرف دل من است، خیلی حرف خوبی است، مشکلی ندارد. درس که تمام شد و آقای خوئی از منبر پایین آمد، گفتیم آقا قدری استراحت بکنید، خسته شدید. فرمود تازه‌ای است؟ گفتیم بله، و این مطلب را به ایشان گفتیم. فرمود این درسی که من برای شما می‌گویم، گفتنی‌های سه استاد بزرگ است (تعبیر به گفتنی‌ها کرد یعنی آنها هم قدری حشو و زوائد دارند)؛ مرحوم نائینی، مرحوم آقاضیاء عراقی و مرحوم آقا شیخ محمدحسین اصفهانی (اینها اساتید ایشان هستند و معلوم است درس همه اینها حاضر بوده است) و خود من هم اگر نظری داشتم ضمیمه کردم و نتیجتاً درس من محصل افکار چهار استاد است، شما این را درست ضبط کنید و دقت کنید برای استنباط، همین کافی است. دنبال فقه بروید، فقه جواهر از اول طهارت تا دیات ۵۷ کتاب است؛ اینها را نگاه کنید، عمر کافی نیست. اصول یک فن است و مطالبش خیلی کشیدنی است، خیلی جرّ و بحث می‌شود، قلت و ان قلت خیلی در آن می‌شود، ثمره عملی بر آن مترتب نیست، همین مقدار که ثمره عملی دارد کافی است. هذا اولاً و ثانیاً من نه می‌لش را دارم، نه وقتش را دارم.

### ایشان از میان سه نفر از اساتید خود کدام یک را ترجیح می‌داد؟

در منبر همیشه از استاد نائینی می‌گفت، بعض مشایخنا آقا شیخ را می‌گفت، بعض اعظام مرحوم آقاضیاء را می‌گفت، ولی اکثر مطالب مرحوم نائینی را عنوان می‌کرد و نظری داشت بیان می‌کرد.

### نظر اساتید خود را نقد هم می‌کرد؟

بله نقد می‌کرد و در تقریرات من هم هست. ادامه در صفحه بعد

## اگر بین مسلمین و نان آنها جدایی افتاد دینداری مشکل می شود

آیت الله جوادی آملی با تاکید بر اهمیت مساله اقتصاد، ستون فقرات اقتصاد مقاومتی را اعتقادات دینی دانست و افزود: مساله اقتصاد بعد از اعتقاد جزو مهم ترین عناصر استقلال سیاسی یک مملکت است.

ایشان در دیدار با جمعی از مسوولان و اعضای انجمن اسلامی وزارت اقتصاد و دارایی، اظهار کرد: وقتی شما عهده دار دریافت مالیات هستید این مالیات بر درآمد است.

باید راه درآمد را هم - ان شاء الله - به ملت بزرگ و بزرگوار ایران اسلامی ارایه کنید تا در تحصیل درآمد هم تلاش و کوشش نکنند و آن گاه آنها مشتاقانه این مالیات را بپردازند. سر اینکه اقتصاد بعد از اعتقاد سهم تعیین کننده دارد این است که مال را ذات اقدس الهی عامل قیام یک ملت قرار داده است. ملتی می تواند مقاوم باشد و مقاومت کند که بتواند بایستد. ایستادگی یک عامل قیام می خواهد. همان طوری که ایستادن یک عامل قیام می خواهد ایستادگی هم یک عامل قیام می خواهد. الان که فرمودند اقتصاد مقاومتی این سخنی است حق لکن این دو مطلب باید کاملاً توضیح داده شود تا فرق این دو مطلب روشن شود و رسالتی که برای اعضای محترم انجمن های اسلامی است هم روشن شود.

آیت الله جوادی آملی سپس ادامه داد: ایستادن متافیزیکی یعنی مقاومت هم به اقتصاد وابسته است. اگر ستون فقرات ملتی که همان مسایل مالی و امکانات مالی آنهاست شکسته بود این قدرت مقاومت ندارد و از پا درمی آید. اگر ستون فقرات ملتی که دین آنهاست آسیب ببیند این ملت قدرت مقاومت ندارد یعنی اقتصاد مقاومتی که فرمودند توفیقش نصیب اینها نمی شود توفیقش نصیب کسانی می شود که تکیه گاهی دارند، ستونی دارند و ستون شان را با دین حفظ کردند.

ایشان یادآور شد: بنابراین ما باید دو کار کنیم؛

یکی اعتقاد را که آن ستون اصلی است حفظ کنیم یکی اقتصاد را که یک ستون فرعی است حفظ کنیم. اگر ما می شنویم فلان کارخانه کارگرها را بیرون کردند باید راه حل پیدا کنیم یا فلان کارخانه در آستانه تعطیلی است باید راه حل پیدا کنیم. ما زیارت عاشورا می خوانیم، دعای کمیل می خوانیم، نمازهای مستحبی می خوانیم و مانند اینها، اینها همه وظیفه است و ثواب الهی را به همراه دارد اما آنکه مشکل جامعه را حل می کند آن درایت اقتصادی است. این دعای کمیل را شخص کمیل از وجود مبارک حضرت امیر (سلام الله علیه) نقل کرد. بعد از اینکه وجود مبارک حضرت امیر (سلام الله علیه) به مقام خلافت ظاهری رسیدند آن طور که در نهج البلاغه هست منطقیه ای است به نام هیت.

مسئولیت آن منطقه را وجود مبارک حضرت امیر به کمیل داد. امویان ریختند آنجا را غارت کردند، زندند بردند و کمیل نتوانست اداره کند. حضرت امیر نامه ای نوشت. این نامه در نامه های مکتوب نهج البلاغه است. به کمیل اعتراض کرد که من همه امکانات را به تو دادم، نتوانستی آنجا را اداره کنی خلاصه اعتراض حضرت امیر این است که بعضی ها فقط به درد دعای کمیل می خوردند!

آیت الله جوادی آملی خاطرنشان کرد: اداره مملکت یعنی اداره مملکت! اگر ما بشنویم فلان کارخانه کارگرها را بیرون کرده آن با نماز زیارت عاشورای شما حل نمی شود حواس تان جمع باشد و دامنگیرتان خواهد شد! کسی گرسنه بخوابد، فقیر باشد، به زندان برود، هزاران چک برگشتی وجود داشته باشد اینها با دعای کمیل حل نمی شود! شما بررسی کنید ببینید چندتا چک برگشتی دارید، معلوم می شود که اقتصاد و دارایی نتوانست رسالتش را انجام بدهد.

وی همچنین افزود: برخی از این جانبازان عزیز نزدیک ۳۰ سال است که به عنوان قطع نخاعی

جلد برای من آوردند.

### خودشان نوشتند یا تقریرات است؟

نه، نوشته خودش است و بیشتر هم حرف استادش مرحوم نائینی را دنبال می کند و تفهیم می کند و اشکالاتی هم دارد و نوشته خیلی خوبی است.

### می گویند زندگی خیلی فقیرانه ای هم داشته است؟

بله خیلی. خیلی زندگی متواضع و فقیرانه داشت و از تواضعش بود که در مجلس استفتاء مثلاً مرحوم آقای حکیم می رفت. اواخر با آقای حکیم خیلی رفاقت داشت و در استفتائات ایشان شرکت می کرد و از این جهت خیلی متواضع بود، از ممتازین و نخبه بود، وجهه عوامی و رفت و آمد عوامی نداشت، فقط حوزوی بود.

### مرید بازی را بلد نبود.

نه آن جور نبود، دنبال مقلد و مرید نبود، فقط در حوزه شخصیت داشت.

### نجف در دوره شما به چه علوم دیگر غیر از فقه و اصول می پرداخت؟

یک تفسیری قبل از ما مرحوم آقا شیخ جواد بلاغی، صاحب آلاء الرحمن می گفت که ما به ایشان نرسیدیم، دوران قبل از ما بود. در دوران ما آن جور تفسیر مشخصی نبود، مرحوم قاضی بودند ولی خوب مجلس خصوصی داشتند، شاید نفرات این جور بودند که تفسیر، اخلاق یا عرفان می گفتند، این جور بود.

### مرحوم صدرا بادکوبه ای فلسفه نمی گفتند؟

نه، ما ۷-۸ نفری قرار گذاشتیم برویم خدمت ایشان منظومه بخوانیم، چند روز یا چند هفته ای رفتیم و در حوزه معروف شد که فلافی و چند نفر دیگر از جمله مرحوم شهید آقاشیخ مرتضی بروجردی که خیلی مرد فاضل و نخبه بود و ما با

در آسایشگاه هستند که من یک بار رفتم به عبادت اینها بلکه به زیارت اینها بعد آدمم کنار و قدری گریه کردم و بعد دیگر رویم نشد بروم به عبادت اینها! اینها مردان الهی اند اینها به مراتب قوی تر از شهدای صدر اسلام اند. این روحیه این کشور را حفظ می کند اما مادامی که ما با عرصه نه بیراهه رفته باشیم نه راه کسی را بسته باشیم! اما اگر اختلاس و امثال آن پیش بیاید اگر - خدای ناکرده - فشاری بیاید تحملش سخت است.

آیت الله جوادی آملی یادآور شد: اقتصاد مقاومتی، ستون مقاومت می خواهد. ستون مقاومت هم همان اعتقاد است. وقتی کسی این فساد را ببیند این ناهنجاری را ببیند خب تحمل نمی کند. بنابراین ما باید مواظب باشیم که بعضی ها فقط به درد دعای کمیل می خوردند و در برابر جنگ ها و حمله هانمی توانند بایستند. ما اگر نتوانستیم اقتصاد مقاومتی را در کنار اعتقاد پیوند بزنیم راه درآمد را توسعه می دهیم بعد مالیات می گیریم حق مشروع دولت هم است مردم هم کاملاً جانانه تسلیم می کنند اگر هم یک وقت نبود، همه تحمل می کنند اما اگر باشد و نابسامان باشد تحمل پذیر نیست.

این استاد حوزه خاطرنشان کرد: خدایا بین مسلمان ها و نان آنها، اقتصاد آنها جدایی نینداز زیرا اگر بین مسلمین و نان آنها جدایی افتاد دیگر دینداری مشکل است بنابراین ما قبل از اینکه از درآمد، مالیات بگیریم باید راه تحصیل درآمد را هموار کنیم نباید بگویم ما مسوول گرفتیم دیگری مسوول تغییر است، هر دو یک واقعیت است. این گردهمایی ها این مشورت ها این شورای اداری ها برای همین است که انسان با هماهنگی کشور را اداره کند اگر ما مشکلی دیدیم به مسوولان دیگر هم گزارش بدیم طوری باشد که دیگر کسی در کارخانه را نبندد و عده ای از کارگرها را بیرون بکنند.

ایشان شاید ۱۵ سال هم بحث بودیم؛ فلسفه می گویند، به گوش مرحوم آقامیرزای اصطهباناتی رسید و ایشان هم شدیداً با فلسفه مخالف بود و تحریم کرد. با این که درس محدودی در خانه خود آقاشیخ صدرا بود، خیلی نزدیک هم نبود. آقا شیخ صدرا گفت نه؛ دیگر نیابید. مرحوم اصطهباناتی مرد محترمی بود، مرجع بود و در شیراز مقلد داشت. ایشان امتحان را هم تحریم کرد. بعد از مرحوم آقا میرزاحسین نجف از جهت اداره مالی خیلی احساس فقدان می کرد بنا شد آیت الله بروجردی شهریه قرار بدهند، به آقای شیخ نصرالله خلیجی که در واقع در نجف مدیر امور مالی بود امر فرمودند که شهریه بدهند و امتحان کنند. غلغله ای در نجف پیا شد که چطور امتحان بدهیم، فضلی می گفتند ما چرا امتحان بدهیم، عارشان می شد. به همین جهت بروجردی که با حوزه کرد، میرزا آقا تحریم کرد و گفت که این توهین به حوزه علمیه است و زمان شیخ انصاری و زمان مرحوم میرزا و آقا سیدحسن این حرفها نبود، همه مراجع از نجف بیرون آمدند اینها مگر امتحان دادند؟! و از این صحبت ها. این به آقای بروجردی منتقل شد و ایشان هم گفت امتحان لازم نیست.

### در آن زمان وضعیت مالی طلبه های نجف چطور بود؟

خیلی بد بود. مثل الان، الان هم همین جور است. طلبه هایی که واقعاً درس می خوانند و فقط شهریه دارند، واقعاً برایشان سخت است، آن زمان هم همین طور بود. شهریه ای که از طرف مرحوم آیت الله سیدابوالحسن یا بعد از ایشان داده می شد، واقعاً برایشان کفاف نداشت، شاید ۱۰ روز یا کمتر یا بیشتر تمام می شد، اجازه خانه هم بود. خیلی سخت بود.

### الان حوزه علمیه قم را چطور می بینید؟

الحمدلله حوزه علمیه قم استاید خیلی خوب و

ایشان ادامه داد: ملت اگر بخواهد اقتصاد مقاومتی داشته باشد باید مالش را به دست عقلا بدهد نه به دست سفیهان. خب اگر این اصول رعایت شد هم درآمد محفوظ است و هم هزینه ها متعادل است هم مالیات بر درآمد و اگر - خدای ناکرده - در اثر امتحان های الهی یا علل و عوامل دیگر مقداری مساله اقتصاد افت کرد این ملت کاملاً تحمل می کند چون اعتقاد، اصل است. برخلاف بساط کمونیستی که اقتصاد در راس است اقتصاد نزد ما مسلمان ها در صف دوم است. آن اعتقاد است که اصل است. از صدر اسلام تاکنون هم همین طور بود حالانیزی به تاریخ گذشته ندارد این جنگ ۱۰ساله را - برای اینکه هشت سال دفاع مقدس بود دو سال جنگ داخلی بود - مردم تحمل کردند و این به سبب اعتقاد بود و اما اگر - خدای ناکرده - این اعتقاد آسیب ببیند، ببینند با دین دارد بازی می شود اگر آدم آن اصل را آن ستون فقرات را از دست داد به آدم کمرشکسته ای که ستون فقراتش را از دست داد با نصیحت نمی شود گفت قیام کنید؛ انسان کمرشکسته، با سخنرانی بلند نمی شود، باید حواس مان جمع باشد!

آیت الله جوادی آملی سپس تصریح کرد: اینکه بیگانه با همه قدرتی که دارد می ترسد و واقعا این جرات را ندارد که اجازه چنین فضولی را به خودش بدهد که به ایران حمله کند برای همین اسلامی بودن این کشور است. این را باید حفظ کنیم. این اصل است در کنارش درایت است امانت است عقل است هوش است فهم است و فهم است و فهم! که چگونه ما از درآمد مملکت استفاده کنیم و بفهمیم بین سرمایه و درآمد فرق است. نفت، سرمایه است نه درآمد. کسی با نفت فروشی بخواهد مملکت را اداره کند یعنی با سرمایه فروشی، نفت را باید تبدیل کرد به یک سرمایه دیگر و از درآمدش باید استفاده کرد.

وافر دارد، شاید مشهد به این جهات احتیاج بیشتری داشته باشد، حالا این جهت هم مؤید است و الا آن اولی اساس کار است که باعث شد من به مشهد بیایم، به امید این که حضرت بازدید می آید. انشاء الله.

### اشاره فرمودید که مدرک گرایی خوب نیست، نظر شما راجع به سیستم فعلی حوزه چیست؟

از یک جهت چون الان عدد خیلی زیاد شده است، اگر بنا باشد امتحان نشود ممکن است یک عده ای بی خودی یک عامه و لباسی بگذارند و شهریه ای بگیرند، برای این که این ها یک بهره ای از علم ببرند و یک آموخته ای پیدا کنند بد نیست اما طلبه نباید اکتفا کند به امتحان و مدرک.

### در پایان اگر توصیه ای دارید بفرمایید.

الحمدلله آقایان همه چیز می دانند، توکل کنید به خدا و در این راه هر چه زحمت بکشید و تحمل بکنید، اجر شما بیشتر خواهد بود، برای این جهت که می خواهید عمرتان را در راه خدا صرف کنید، فایده ای به مردم برسانید، مردم از معلوماتتان استفاده بکنند، اجرتان بیشتر است، سرمایه شما علم و تقوا است، همین را شما صرف کنید در راه خدا بهترین نتیجه را دارد، بهتر از این است که در مقابل آن هایی که تجارت مالی می کنند، تجارت بکنید با آن مالی که در اختیاران نیست. البته خدا آنها را هم اجر بدهد و آنها را هم بی اجر نخواهد گذاشت و لکن ما طلبه ها به این امید هستیم.

ما می گوئیم و من یتوکل علی الله فهو حسبه. فقط توکل بر خدا. انسان به غیر خدا به چه کسی توکل کند، به چه کسی امید داشته باشد؟! به هر کسی امید داشته باشد مثل خود ما عاجز است، پس بهترین توکل، توکل به خدا است.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی

ادامه از صفحه قبل

با توجه به توصیه مرحوم آیت الله خوئی در رابطه با فقه، چطور خود حضرت تعالی چه در سطح و چه در خارج دائماً اصول گفتید و به فقه نپرداختید؟ درست می فرمایید، من الان مزاجم پاسخگو نیست و از نظر مزاجی آن چیزی که می خواهم نمی شود، نمی توانم.

البته مرحوم آقای فلسفی که بودند، درس اصول خوب و جمع و جوری داشتند، شبیه به اصول آقای خوئی بود اما آقای فلسفی که از دنیا رفت، واقعاً در مشهد یک درس اصول مثل اصول حضرت تعالی لازم بود. الان هم، مثلاً آیت الله مرتضوی فقه می فرمایند و فقه ایشان هم جا افتاده است و بین طلبه ها هم خیلی طرفدار دارد و با این شرایط اصول شما لازم است.

### شما دوره چندم اصول آقای خوئی شرکت می کردید؟

دوره های ما معروف بود به دوره چهارم و پنجم، یعنی ایشان دو دوره قبلاً گفته بود، شاید ۳ و ۴ بود، درست من نمی دانم. ظاهراً ایشان هفت دوره تدریس کردند و هر دوره هم ۶ یا ۷ سال طول می کشید.

### غیر از شرکت در درس مرحوم آقای خوئی ارتباط دیگری با ایشان داشتید؟

بله نسبت فامیلی داریم، من باجناب پسرشان هستم، با مرحوم آقا سیدجمال پسر بزرگ مرحوم آقا، باجناب هستیم، آقا هم نهاری یا شامی می آمدند، ارتباط نزدیک داشتند.

### یک مقدار از خصوصیات اخلاقی آقا شیخ حسین حلی بفرمایید که استاد شما بودند؟

من درس ایشان را کم رفتم، ۳-۴ ماهی رفتم، ایشان خیلی محقق و پرحوصله بودند، الان نوشته های ایشان هم چاپ شده است، تقریباً ۱۲



تحت این عنوان، عموم رسانه‌های گروهی جهانی، به ویژه غربی و اروپایی، خبر درگذشت کاردینال مارتینی را منتشر کردند. مارتینی شخصیتی مشهور و محبوب بود، اما در خارج از ایتالیا چندان شناخته شده نبود، اگرچه شخصیت‌های کاتولیک در سراسر اروپا او را می‌شناختند.

انعکاس وسیع خبر درگذشت او که عموماً تحت عنوان یادشده (۲۰۰ سال عقب‌تر از زمان) منتشر شد، حاکی از انتظار و بلکه نیازی است که پیروان کلیسای کاتولیک و حتی پیروان کلیساهای دیگر، از کلیسایشان دارند. در همین راستا و نیز برای معرفی بهتر مارتینی، اجماً نکتاتی یادآور می‌شود.

۱- از ابتدای مأموریتم در واتیکان، کاردینال مارتینی را می‌شناختم. نام کامل او کارلو ماریا مارتینی است. از همان نخستین روزهای استقرارم در اواسط ۱۳۷۰، می‌کوشیدم با شخصیت‌های معتبر مسیحی، اعم از کاتولیک و غیر کاتولیک مرتبط باشم و البته آنها هم استقبال می‌کردند. در میان کاردینال‌های آن ایام، مارتینی شخصیتی متفاوت بود. او در آن دوران اسقف شهر میلان و رئیس شورای اساقفه اروپا بود و در هر دو سمت موفق و بلکه بسیار موفق بود. مکرر با او دیدار و گفت‌وگو کردم.

به دلایلی تاریخی، واتیکان پیوسته با شمال ایتالیا مشکل داشته است. احزاب چپ و گرایش‌های ضدکلیسایی و ضدواتیکانی در این مناطق نیرومند بود. پاپ قبلی، ژان پل دوم، با فطانت، مارتینی را که در آن هنگام کشیش بود در رأس کلیسای میلان قرار داد. میلان مرکز اقتصادی و صنعتی ایتالیا و عملاً مرکز شمال این کشور بود. این داستان به اواخر سال ۱۹۷۹ باز می‌گردد. سال‌هایی که میلان شاهد ناآرامی‌های فراوان کارگری و سندیکایی بود. اینان عموماً چپ‌گرا بودند و این ناآرامی‌ها، کل ایتالیا را تحت تأثیر قرار می‌داد.

چند ماهی بعد مارتینی به مقام اسقفی ارتقاء یافت و این حالتی استثنایی بود؛ چرا که او ژرژوئیت بود و اینان پیوسته در سطح کشیشی باقی می‌ماند. در سال ۱۹۸۳ کاردینال شد که این حالتی استثنایی تر داشت. او قبل از اعزام به میلان، رئیس معتبرترین دانشگاه کاتولیک، دانشگاه گریگورین بود که عموم پاپ‌ها طی قرون اخیر از زمره فارغ‌التحصیلان آن هستند.

۲- او عملاً موفق‌ترین و محبوب‌ترین کاردینال بومی در ایتالیا و بلکه کل اروپا بود. او توانست خلیفه‌گری میلان را به فعال‌ترین و پرمراجعه‌ترین خلیفه‌گری تبدیل کند. مارتینی متخصص متن کتاب مقدس بود و باید گفت یکی از برجسته‌ترین متخصصان زمان ما. هنر اصلی او این بود که می‌توانست با استفاده از آن، با نسل علاقه‌مند جدید سخن بگوید و این عامل موفقیت او در میلان بود.

با ابتکار خودش و کم و بیش خارج از سنت کلیسایی موجود، در کلیسای بزرگ میلان جلسات سخنرانی هفتگی برگزار کرد. این جلسات تا به آنجا علمی و پرجاذبه بود که افراد غیرمعتقد هم در آن شرکت می‌کردند. من خود، اساتید برجسته غیرمذهبی فراوانی می‌شناسم که بنا به گفته خودشان در این جلسات حضور می‌یافتند و از مطالب علمی او استفاده می‌کردند و این پدیده‌ای کم‌نظیر در تمامی ایتالیا بود. او اصولاً افراد غیرمعتقد به دین را برای گفت‌وگو دعوت می‌کرد. اینان شرکت می‌کردند و نظراتشان را صریحاً بیان می‌داشتند.

البته موفقیت او فقط به این عامل بازمی‌گشت. او شخصیتی محکم و استوار داشت. حتی فیزیک بدنی او هم چنین بود. فردی رشید و بلندقامت، با چشمانی نافذ و دست‌هایی نیرومند و شانه‌هایی سبتر. رفتار او نیز محکم بود. در عین خوش‌رویی، آثاری از ضعف نفس و تمایل به مجامله و دل‌به‌دست آوردن طرف مقابل در او وجود نداشت. آگاهی و دانش عمیق او به این استحکام

## کلیسای کاتولیک، ۲۰۰ سال عقب‌تر از زمان

نوشته: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد مسجدجامعی \*

سالیان اخیر چه در اروپا و چه در ایتالیا، کاردینال‌های فراوانی درگذشته‌اند و بعضاً همچون کاردینال نیولاگی دارای موقعیت بسیار برجسته‌ای بوده‌اند، اما مراسم تدفین و گرامی‌داشت آنها بسیار رسمی و خشک بود. در حالی که بیش از ۲۰۰ هزار نفر در میلان طی سه روز به جسد مارتینی ادای احترام کردند و هزاران نفر در مراسم تدفین او که با حضور نخست‌وزیر و مقامات رسمی و مذهبی در میلان انجام گرفت، شرکت داشتند. این نشانگر آن است که علیرغم تمامی موانع و مشکلات، هنوز هم اروپاییان برای مقامات مذهبی مستقل، آزاده و دانشمند، اهمیت و ارزش قائلند و حتی بعضاً ارزشی بیش از کسانی که روحانی نیستند و واجد همین ویژگی‌ها هستند. امیدوارم در فرصتی دیگر، بتوانم ویژگی‌های فکری مارتینی را توضیح دهم.

\* پی‌نویس:

۱- نگارنده مقاله در سال‌های یاد شده سفیر کشورمان در واتیکان بودند.

### صهیونیسم به دنبال ایجاد جنگ

#### صلیبی با جهان اسلام است

یک کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به ساخت فیلم موهن صهیونیستی - آمریکایی علیه اسلام تأکید کرد: دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی باید در محافل بین‌المللی به دلیل این اهانت اخیر به میز محاکمه کشانده شوند.

محمد صادق الحسینی کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با (ایسنا)، درباره هتک حرمت به ساخت مقدس پیامبراکرم (ص) در یک فیلم صهیونیستی-آمریکایی گفت: هدف اصلی از توهین به ساحت مقدسات اسلام به خصوص به خاتم‌الانبیاء که بالاتر از ایشان در میان مسلمانان کسی نیست ایجاد فتنه در میان ادیان الهی، مشوه کردن دین اسلام و به انحراف کشیدن مسلمانان برای جلوگیری از وحدت و اتحاد آنها علیه صهیونیسم و فراسونری‌ها است.

وی با بیان اینکه صهیونیسم برای نابودی قران و دین اسلام تلاش می‌کند، ادامه داد: هدف اصلی صهیونیسم در ایالات متحده آمریکا ایجاد جنگ صلیبی با جهان اسلام است اما در این میان مهمترین اقدام مسلمانان علاوه بر ابراز احساسات انقلابی و منفعل نبودن در برابر این توهین‌ها ایجاد یک کمیسیون و مجمع جهانی برای تحت پیگرد قانونی قرار دادن کارگردانان، سرمایه‌گذاران و دولت‌های حامی این اهانت اخیر به اسلام است.

صادق الحسینی افزود: دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی باید در محافل بین‌المللی به دلیل این اهانت اخیر به میز محاکمه کشانده شوند. متأسفانه در سالهای گذشته مسلمانان در برابر اهانت‌های انجام شده در گذشته سکوت کرده و کار عملی انجام نداده‌اند و منتظر شدند که مسائل در سطح واکنش مسلمانان حل شود ولی دیگر این موضوع کفایت نمی‌کند.

این کارشناس مسائل بین‌الملل اضافه کرد: این بار باید اهانت اخیر به ساحت مقدس پیامبر اکرم (ص) به دادگاه‌های بین‌المللی کشانده شود تا دیگر آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها جرات توهین نه تنها به دین اسلام بلکه به مقدسات جهان نداشته باشند. وی ادامه داد: آمریکایی‌ها و صهیونیست‌ها تلاش می‌کنند جنگی میان دین و معنویت از یک سو و در سوی دیگر تکنولوژی و مادی‌گری بوجود آورند تا بدین شکل ریشه‌ی تدین را از بین برند بر همین اساس باید یک کار انقلابی، حقوقی و قانونی برای محاکمه جدی کارگردانان، سرمایه‌گذاران و دولت‌های حامی این اهانت اخیر که در راس آن آمریکا و رژیم صهیونیستی قرار دارد انجام شود.

صادق الحسینی در ادامه اظهاراتش افزود: متأسفانه آمریکا برای پیش‌برد اهداف انتخاباتی خود و ایجاد فتنه جدید دست به چنین اهانتی علیه دین اسلام زده است.

معدود کاردینال‌هایی وجود دارند که دیدگاه‌هایی متفاوت از دیدگاه‌های رسمی دارند و در گفتگوهای خصوصی، آن را اظهار می‌کنند. اینان بیشتر از بخش آلمانی زبان اروپا و آمریکای لاتین هستند.

۴- ژان پل دوم از اواسط دهه ۹۰ به بعد، پیوسته ضعیف و بیمار بود. این مشکل در آن ایام تا به آنجا حاد شد که در مطبوعات ایتالیایی می‌نوشتند که به چه دلیل می‌باید سمت پاپی، مادام‌العمر باشد؟ او باید استعفا دهد و پاپ جدیدی انتخاب شود. این دیدگاه در آن روزگار موافقان فراوان و مخالفانی داشت.

دقیقاً در همین روزهاست که موضوع جانشینی مارتینی مطرح می‌شود. عموم شخصیت‌ها و افراد غیرمذهبی و بخش قابل توجهی از متدینان مایل بودند او جانشین پاپ شود. این را صریحاً می‌نوشتند و اظهار می‌کردند.

در این مورد هیچ کلامی از مارتینی شنیده نشد. او همچنان استوار و متکی به نفس بود و این بر اشتیاق هوادارانش می‌افزود. در سال ۲۰۰۲ به سن ۷۵ سالگی رسید و علیرغم آنکه می‌توانست چند سال دیگری در سمتش باقی بماند، از آن کناره گرفت و راهی بیت‌المقدس شد تا به عبادت و تأمل بپردازد.

از این گذشته، او در هیچ نوع ماجرابی که به سوءاستفاده از مقام و موقعیتش متهم شود، دخالت نداشت. ایتالیا کشوری است که به فساد مالی و اداری و مافیایی بودن معروف است. بسیاری از مقامات عالی‌رتبه کاتولیک و بعضاً واتیکانی، به مشارکت در این امور متهم بودند که بعضاً مسئله به رسانه‌ها و بلکه دادگاه‌ها هم می‌کشید. مارتینی کلاً از چنین مسائلی مبرا بود.

در سال ۲۰۰۵، پاپ ژان پل دوم درگذشت. شورای کاردینال‌ها می‌بایست پاپ جدیدی برمی‌گزید. معروف چنین است که برخی از کاردینال‌ها مایل بودند او را انتخاب کنند. مشکل می‌توان صحت این خبر را تأیید کرد، چرا که همه چیز در این مورد محرمانه است. بالاخره کاردینال زاتسینگر به عنوان پاپ انتخاب شد که از نظر متخصصان امر، موضوعی کاملاً مغایر با مارتینی داشت. در نتیجه، دریچه‌ها به سوی هر حرکتی که در راستای پاسخگویی به نیازهای واقعی کاتولیسیسم امروز باشد، بار دیگر بسته شد.

۵- اینکه کلیسا ۲۰۰ سال عقب‌تر از زمان است، طی مصاحبه مارتینی با روزنامه پرتیراژ کورییره دل‌اسرا بیان شد و آن هم چند روز قبل از خاموشی‌اش. او طی مصاحبه، به نکات مهمی اشاره می‌کند و در پایان می‌گوید: کلیسا محتاج خانه‌تکانی است که می‌باید توسط پاپ و اساقفه انجام شود.

این سخن توسط یکی از مطلع‌ترین و دانشمندترین شخصیت‌های کاتولیک معاصر بیان شده است و هنگامی به درستی دریافت می‌شود که مبانی مسیحیت، سیر تحولی آن و تحولات دوران جدید آن و ابتکارات قرن اخیر آن جهت هم‌نوایی با ضرورت‌های زمان ما، شناخته شود. و اینکه علیرغم تمامی این ابتکارات، باز هم مشکلات اصلی همچنان باقی است. اشتباه نشود، سخن او ناظر به کلیت کلیسای کاتولیک نیست. برای نمونه، نهادهای آموزشی کلیسای کاتولیک، اعم از مقاطع ابتدایی و متوسطه و دانشگاهی، از جمله پیشرفته‌ترین‌ها و موفق‌ترین‌ها در دنیای امروز است. همچنانکه نهادهای درمانی و خدماتی آنها هم اگرچه بسیار محدودتر از نهادهای آموزشی است، اما از جمله پیشروترین‌ها در زمان ماست.

به هر حال نظرات او ناظر به موقعیت کاتولیسیسم اروپایی است و نه سرزمین‌های دیگر و از جمله آمریکا و آمریکای لاتین. کسانی که جامعه و فرهنگ اروپا را می‌شناسند می‌دانند که آئین کاتولیک در این قاره به واقع از نفس افتاده است. این جریان را علل متعددی است، اما کلیسا را هم در این میان، سهمی است.

محبوبیت مارتینی خود بهترین گواه است. طی

افزوده بود. او جامعه و فرهنگ اروپا و تاریخ کتاب مقدس را به خوبی می‌شناخت.

تأکید بر این نکات به آن علت است که عموم مقامات مذهبی کاتولیک در ایتالیا و حتی اروپای امروز، از چنین مشکلاتی رنج می‌برند. آنان در برخورد با مؤمنان و مردم عادی عموماً می‌کوشند محبت‌شان را به گونه‌ای انفعالی به خود جلب کنند. این روش جلب محبت، جریانی پیچیده است که توضیح آن به طول می‌انجامد و بیشتر با مجامله و تظاهر به دوستی و یگانگی همراه است. شاید درست‌تر این باشد که بگوییم جلب ترحم و شفقت، حتی می‌توان گفت تاحدودی رفتاری زنانه است تا مردانه.

اینکه چرا چنین است و چرا چنین شده، خود داستان مفصلی است. این یک جریان شخصی و موردی و حتی ارادی نیست. تجربه دو سه قرن اخیر، آنان را به چنین حالتی کشانیده و رسانیده است که می‌باید در جای دیگری مورد بحث و کنکاش قرار گیرد. با توجه به این نکته است که می‌توان ریشه‌های بسیاری از مشکلات دینی اروپای کنونی را بازشناخت. به هر حال مارتینی چنین حالتی نداشت. چنان که گفتیم، شخصیتی استوار و مردانه داشت. بر اساس آنچه خود داشت، افراد را به خود جلب می‌کرد و نه به دلیل مجامله و افراط در ابراز محبت که در اروپای امروز خریدار چندانی ندارد. من خود کاردینال‌های متعددی حتی در شمال ایتالیا می‌شناسم که به دلیل همین ویژگی‌ها فاقد نفوذی متناسب با موقعیت و شخصیت خویش هستند که برای حفظ احترام از آنان نام نمی‌برم.

۳- شخصیت مستقل، مردانه و متکی به نفس مارتینی موجب شده بود که دیدگاه‌ها و نظرات دینی و علمی مستقلی داشته باشد. نکته مهم این بود که این دیدگاه‌ها به عکس آنچه امروزه در رسانه‌ها می‌گویند، صرفاً آزاداندیشانه و ترقی‌خواهانه نبود؛ چرا که متکی به متون دینی بود. نظرات متفاوت و بعضاً بسیار متفاوت او با تعالیم کنونی کلیسای کاتولیک، اگرچه ظاهری روشنفکرانه داشت، اما از مبانی اولیه نشأت می‌گرفت. صرفاً تفکری آزاد و خارج از تعهد دینی نبود.

واقعیت این است که تفردنسبی او در این دیدگاه‌ها، بیشتر ناشی از ساختار تشکیلات مذهبی کلیسای کاتولیک و سیاست خاص پاپ قبلی، ژان پل دوم بود. تلفیق این دو موجب شده بود که عناصر تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز دینی کلیسای کاتولیک، بیش از حد محافظه‌کار شوند که این توضیح بیشتری می‌طلبد.

ژان پل دوم به عکس دو سلف قبلی‌اش، پل ششم و ژان بیست و سوم به لحاظ اعتقادی، فردی بسیار محافظه‌کار بود. تا حدود زیادی این ناشی از ریشه‌لستانی او بود.

کلیسای لهستان در مقایسه با کلیساهای کاتولیک اروپا، کلیسایی بسته، محافظه‌کار و کم‌تحول بود و حاکمیت کمونیست‌ها آن را بسته‌تر کرده بود. این محافظه‌کاری با نوعی تمایل به تمرکزگرایی بیش از حد، موجب شده بود که اصولاً کسانی در سلسله مراتب کلیسایی ارتقاء یابند که ویژگی‌های خاصی داشته باشند که از مهمترینش محافظه‌کاری اعتقادی و علمی بود. این جریان موجب شد که مقامات کاتولیک، پس از پاپ شدن ژان پل دوم، پیوسته محافظه‌کارتر شوند.

برای نمونه، شورای کاردینال‌های سه دهه اخیر به مراتب از شوراهای دهه‌های قبل تر، محافظه‌کارتر هستند و شاید همین عامل موجب شد که پس از درگذشت پاپ قبلی، پاپ کنونی را انتخاب کنند. کسی که از محافظه‌کارترین پاپ‌های کل تاریخ معاصر است.

در چنین شرایطی، فردی چون مارتینی تنها می‌ماند. اما چنین نیست که کسان دیگری چون او نمی‌اندیشند. به ویژه در میان کشیشان فراوان هستند کسانی که با او موافقت دارند، اما در جایگاهی نیستند که سخنانشان تأثیرگذار باشد. اگرچه باید گفت حتی

## حجت الاسلام دکتر ثقفی: وهابیت نشانه‌هایی از وندالیسم دارد

مقدم است. ما باید آن را تأویل کنیم ید به معنای قدرت است.

### یعنی برای الفاظ معنای مجاز قائل نیستند؟

بله. درست است. لذا به این دلیل آنها ظاهر گریند و البته نوعی حس گرا. مرحوم مطهری نقل می‌کند که جریان حسی گرایی که در اروپا مطرح شد غیر از تجربه گرایی است. آنچه خود می‌بینی گاهی واسطه‌ای است مثلاً بوسیله دست و گاهی هم شهودی است مانند تشنگی.

آنها نوعی حسگرا هستند و به همین دلیل الفاظ را به همان معنای ذاتی و لفظی و لغوی کلمه مطرح می‌کنند. پیرو همین است که شاخه وهابیت بر احادیث دست می‌گذارد و از موارد طرح شده در آن اصلاً کوتاه نمی‌آید. مثلاً در پوشش هم بدون تحلیلی که در شیعه یا معتزله وجود دارد، عمل می‌کنند. دامن بلند و ریش دهان گشتی دلایلی بر این گفته هاست. وقتی هم که می‌پرسی به چه دلیل مثلاً این گونه ریش می‌گذارید؟ می‌گویند پیغمبر فرموده که لحيه بگذاريد. اما باید گفت که اگر پایبند استدلال حدیثی هم باشی مشکلی در گذاشتن ریش پرفسوری نیست چون لحيه را رعایت کرده‌ای. مرحوم خوبی می‌گفت در احادیث سننیت زیادی برای گذاشتن محاسن بلند نداریم این مسأله بیشتر به سیره مسلمین باز می‌گردد.

### کانون تعالیم ابن عبدالوهاب چیست؟

آنها بر توحید تأکید دارند و شرک در عبادت را رد می‌کنند. در این زمینه توحید ذاتی (ذات خداوند)، توحید افعالی (خالق بودن خداوند)، توحید صفاتی و توحید در عبادت را مطرح می‌شود. عبادت را برای خود خدا می‌خواهند و لذا وقتی به قبله یا قبر می‌ایستی می‌گویند به قبر عبادت می‌کنی. در حالیکه مسلمانان از همه مذاهب اسلامی وقتی که چیزی می‌خوانند نیتشان برای آن مکان نیست. آموزه دیگری هم که باعث اختلاف است مسئله زیارت است. وقتی به زیارت می‌روید و السلام می‌گویید به نظر آنها مرده را خطاب قرار می‌دهید. اعتقاد دارند که زیارت مرده نوعی شرک است. زیارت به جز سه مسجد در نظر آنها جایز نیست.

مرحوم خوبی می‌گوید در تشریح به مکه با یک عالم وهابی در مسجد النبی هم مباحثه شدم. به من گفت در اسلام زیارت نیست اما شما به زیارت می‌روید. گفتیم نه. شما که قائل به سنت هستید پیغمبر خدا در صلح حدیبیه قبل از بازگشت به مدینه به قبر مادرش آمده سر زد و زیارت کرد. در آنجا فاتحه خواند و بعد به مدینه آمد. این داستان در سیره آمده است. این مسأله مهم را چگونه در نظر نمی‌گیرید؟ علی ایحال سازمان یافته شدن آنها با ائتلاف با آل سعود آغاز شد. دولت سعودی هم مولود انگلیسی هاست. انگلیسی‌ها با این خاندان بده بستان می‌کردند و کمک کردند تا شریف مکه از حکومت کنار گذاشته شود و آل سعود به قدرت برسد.

از آن زمان به بعد حکومت سعودی در اختیار نشر وهابیت است. این فرقه با سازمان تبلیغی الدعوه والارشاد به تمام سازمان‌های جهان اسلام که با او همسو هستند، در تمام نقاط جهان کمک مالی می‌کند. از این جهت هم نوعی سازمان یافته‌اند.

**در حال حاضر وهابیتی که موجود است همان عقاید محمد بن عبدالوهاب را الگو قرار داده و یا تجدیدنظرهایی در آن کرده است؟ آیا آن اندیشه‌ها همان گونه باقی مانده و یا انشعاب‌هایی در آن به وجود آمده است؟**

اصول گرایی سلفیه به نحوی در روشنفکران اصلاحگرا توسعه یافته است. به خصوص در زمان سید جمال این بحث‌ها مطرح بود. منظور سید جمال الدین وحدت مسلمین توأم با تجهیز جامعه و تفکر اسلامی با علم و زدودن خرافات دینی بود.

در زمان‌های بعد مثلاً در ایران، اسلام راستینی که مهندس بازرگان در مقابل اسلام دروغین آلوده به خرافات مطرح کرد از همین نوع است. لذا اصل، در این نهضت عقل گرایی که از سید جمال الدین آغاز می‌شود رفع خرافات است. سلفیه هم در شکل

به نظر من اصول گرایی یعنی همان ارزش‌های آرمانی اسلامی. معنای پیور در مسیحیت و جهان اسلام متفاوت است. آنها پیور را به ملحقیات عالم مسیحیت بر اصل انجیل و عمدتاً تشکیل دستگاه کلیسا معطوف می‌کنند و خواستار اصلاح برخی بدعت‌ها در آیین برساخته کلیسا به خصوص حذف روحانیت و سلسله مراتب کلیسای کاتولیک بودند. ممکن است در جریان سلفیه اخیر حذف روحانی یا مبارزه با روحانی مطرح باشد اما در وهابیت بخصوص وهابیت سازمان یافته این خواسته، محلی از اعراب ندارد. خود محمد بن عبدالوهاب عالمی روحانی بود. مفتیان سعودی نیز روحانی هستند.

از سوی دیگر در مواردی هم پیور در دو عالم مسیحیت و اسلام مشترکاتی دارد و آن هم پیرایش مذهب از بدعت‌ها و خرافات است. البته در وهابیت پیور حذف خرافات از تشریفات بیشتر نمایان است. مثلاً مواردی که شیعه به آنها عمل می‌کند. در همین راستا وهابیت بعضی از کارهای عوام شیعه و یا مرید بازی صوفیه را مورد انتقاد قرار می‌دهد که از نظر عالمان اسلامی شیعه هم مورد تأیید نیست. اما نتیجه‌ای که از این به اصطلاح پیور خودشان گرفته‌اند وندالیسم و یا به تعبیر امروزی تخریب است. مثلاً در تمدن اسلامی از منابع زینت می‌توان به کتابخانه‌ها، بیمارستان‌ها و بعد هم مساجد و گنبدهای مساجد و یا گنبدهایی که برای دانشمندان مانند بوعلی ساخته شده اشاره کرد. هیچگاه در عالم اسلامی گنبدی که برای بوعلی ساخته شده است به عنوان تعبد و عبادت او معنی نمی‌شود. و یا حرم‌هایی که در کشورهای اسلامی برای ائمه اطهار، شیخ عبدالقادر گیلانی و یا مقابر عالی در بقیع همه بخشی از مدنیت در اسلام است. اما آنها می‌آیند و اینها را تخریب می‌کنند. و لذا آن چیزی را که اینان دستاویز قرار داده‌اند لاف‌ل در عمل، به ضرر و زیان عالم اسلامی و تمدن آن تمام شده است. وهابیت در اوایل ظهور حتی قصد تخریب مسجدها را هم داشتند که به دلیل مخالفتی که از جانب علمای عالم اسلام، الازهر و ایران با آن ابراز شد، از این عمل منصرف شدند.

### در مقطعی هم حج را ممنوع اعلام کرده بودند. این موضوع حقیقت دارد؟

بله. در دوره رضاشاه، استفرغ و توهع زائری ایرانی که بر اثر گرمای تابستان در آن مکان اتفاق افتاده بود حمل بر توهین به مقام نبوی توسط آنها شمرده شد و او را به قتل رساندند. پیرو این موضوع مرحوم آقای اصفهانی اعتراض کرد. علمای نجف، ایران و حتی رضاشاه به عنوان اینکه ایران کشوری اسلامی است در برابر این مسئله ایستادگی کردند.

### راجع به وهابیت سازمان یافته سخن گفتید. اصول اعتقادی آن چیست؟

وهابیت عمدتاً ریشه‌اش به عقاید ابن تیمیه فقیه قرن هفتم هجری قمری و شاگردش ابن قیم باز می‌گردد که هر دو حنبلی مذهب بودند. اصولاً مذهب حنبلی مذهب اخباری ظاهر گراست و کلیه تحلیل‌های عقلانی را رد می‌کند. به نوعی ظاهر اخبار را می‌گیرد مثلاً در آیه *يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَطِيعُوْا اَمْرَ اللّٰهِ* (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید امر خدا را) که در صدر آیه آمده است. اما ابن تیمیه آن معنایی را که دقیقاً در آن به کار می‌رود قبول می‌کند و هیچ تعبیر و یا تأویلی را در آن وارد نمی‌کند. او معتقد است حتی خداوند به صورت جوان زیبا روی بر روی کرسی می‌نشیند. این موضوع را ابن بطوطه در سفرنامه‌اش اینگونه بازگو می‌کند: ابن تیمیه در مسجد جامع سخنرانی می‌کرد. روی منبر نشسته بود و می‌گفت همچنانکه من روی منبر نشسته‌ام پایم را روی پا انداخته‌ام خداوند هم در کرسی خواهد نشست. خداوند دست دارد. همانطور که اشاره شد معتزله و شیعه این تحلیل را قبول ندارند. اگر خداوند مانند انسان جسم باشد باید روی مکان بنشیند. باید چشم او را ببیند. پس در این صورت او دیگر بی‌نهایت نیست. این صفات عارضه می‌آورد. بنابراین این تحلیل با عقل منافات خواهد داشت. عقل در اینجا

حجت الاسلام والمسلمین سید محمد ثقفی مدرس علوم اجتماعی دانشگاه آزاد تهران مرکز، در دانشگاه تمپل ایالات متحده جامعه شناسی دین خوانده اما به دلیل وقایع بعد از انقلاب و پشتیبانی او از دولت انقلابی، با لغو ویزای تحصیلی ناچار درس را در مقطع دکتری ناتمام گذاشته و به ایران باز می‌گردد تا آن که بعد از چند سال وقفه در دانشگاه آزاد تحصیل خود را به اتمام برساند. آشنایی با نقطه نظرات این چهره مذهبی و آکادمیک درباره وهابیت و لغزش‌های آن از نقطه نظر یک روحانی و مدرس دانشگاه قابل توجه است. وی تأکید می‌کند که: ابن تیمیه به شدت ظاهرگرا بوده و کلیه تحلیل‌های عقلانی را رد می‌کند. مثلاً در آیه *يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَطِيعُوْا اَمْرَ اللّٰهِ* (ای کسانی که ایمان آورده‌اید اطاعت کنید امر خداوند را) که در صدر آیه آمده است و هیچ تعبیر و یا تأویلی را در آن وارد نمی‌کند. او معتقد است حتی خداوند به صورت جوانی زیبا بر روی کرسی می‌نشیند.

**بر مبنای حدیثی از رسول اکرم که در هر سده‌ای یک مجددی می‌آید و دین را احیا می‌کند پیروان محمد بن عبدالوهاب او را به چشم یک مجدد می‌نگرند که تلاش در از بین بردن پیرایه‌های دین دارد. این طرز تلقی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

بله. این حدیث را غزالی از انس بن مالک نقل کرده است. آنها می‌گویند در هر صد سال یک مجددی می‌آید که دین را احیا کند. گاهی پیرایشی، گاهی تمرکزی و گاهی تلاش در زنده کردن عناصر مغفول مذهب دارد. بر این اساس مجدد اول پیغمبر (ص)، مجدد دوم شافعی، نفر سوم احمد بن حنبل نامیده می‌شود و به همین ترتیب ادامه می‌یابد تا اینکه برخی از وهابیون محمد بن عبدالوهاب را مجدد زمانه خود می‌دانند.

منتهی این سخن در خصوص او حتی در نظر اهل سنت قابل انطباق نیست. از آن جهت که تمام اهل سنت چه کلامی چه فقهی، اندیشه‌های عبدالوهاب را قبول نداشته و انتقاداتی به آن وارد می‌کنند که مهمترین آنها توسط برادر و پسرعمویش مطرح شده است. حتی شافعی و الازهر هم انتقاداتی به آرا او دارند. تنها بخشی از حنبلی‌ها و بعضی از جریانات روشنفکری محمد بن عبدالوهاب را به عنوان مجدد قبول دارند.

**در اروپا یک جریان اصلاح دینی به نام پیورترین‌ها وجود داشته که طرفدار پاکسازی دینی بوده است. از آن سو می‌بینیم که سلفی‌ها نگاهی به گذشته دارند تا وضعیت فعلی را اصلاح کنند. آیا این نگاه به گذشته در حقیقت رو به آینده دارد یا وهابیت چطور بوده است؟ در واقع آنها گذشته را برای درست کردن آینده می‌خواستند یا حال را می‌خواستند به گذشته برگردانند؟**

سلفیه که گذشته را به اعتبار سلف صالح می‌گیرند مبنای گذشته می‌بینند، اما با دو تفاوت مهم. این بازگشت به خویشتن خویش که با تعبیر فارسی شریعتی همان سلفیه است از سید جمال اسدآبادی گرفته شده است. شاخه روشنفکری این بازگشت به خویشتن در اشخاصی مانند سید جمال، لاهوری، عبده، رشید رضا و حتی در ایران در شریعتی نمایان است. آنها جامعه گذشته صدر اسلام را جامعه ارزشی اسلامی می‌بینند. جامعه اسلامی در دو بعد مطرح است. یک جامعه ارزشی با حاکمیت اخلاق، عدالت، تقوا و... که در صدر اسلام هم به همین نحو وجود دارد و یک شاخه دیگر که خودش را به آن نحوه می‌بیند. البته با استناد به یک حدیث از انس بن مالک که در مضمون می‌گوید آخر امت اسلام آن وقت درست می‌شود که مانند اولش باشد. اولش صدر اسلام است. صدر اسلام صحابه است و بنابراین زندگی صحابه باید ملاک شود. اما این سوال مطرح می‌شود که آیا اضافات و خشکی‌هایی که در اندیشه ایشان مطرح است چه باید بشود. مثلاً به عقیده صحابه ریش تراشیدن در آن دوره حرام بوده است. آیا تاسی به این نظر در حال حاضر یک نوع اصول گرایی است؟

آرمانی همین را مطرح می‌کند. البته این جنبه‌های مثبت قضیه است که منحصر به سلفیه نیست. در این میان اخوان المسلمین مصر هم وحدت اسلامی را می‌خواهد. وحدت اسلامی بر مبنای وحدت شیعه و سنی. اما در جریان اهل وهابیت که بیشتر سازمان یافته سعودی‌اند این گونه فکر نمی‌کنند.

دانشمندان سنی مانند خورشید احمد در پاکستان یا عبدالرحمن در شیکاگو به نوعی سلفی‌اند، ولی اهل اجتهاد هستند. اما شاخه‌هایی که از دانشگاه الشریعه مدینه بیرون می‌آیند همان اندیشه‌های ابن تیمیه را دنبال می‌کنند و آن تجدیدنظر طلبی را ندارند. شاید اگر بگوییم که تجدیدنظر طلبی نه در شاخه مذهبی وهابیت بلکه در شاخه سیاسی آن ایجاد شده است بهتر باشد. اغلب شاهدگان سعودی، تحصیل کردگان خارج‌اند و اعتقادی به وهابیت ندارند و بعضاً هم تلاش‌های اصلاح‌گرایانه دارند و لذا اخیراً مثلاً به زنان اجازه رانندگی، ورود به دانشگاه و حتی ورود به شورارا داده‌اند.

**آن چیزی که ما تحت عنوان سلفی گری داریم و آن اعمال افراطی و خشونت‌هایی که به این نام انجام می‌شود از طرف چه گروه‌هایی است؟**

این سلفیه اصطلاحاً همان سلفیه به اصطلاح وهابیت است. منتهی الان از چتر سیاسی دولت عربستان بیرون آمده است. بن لادن، ایمن الظواهری و یا علمای افغان که در افغانستان دولت طالبان را تشکیل دادند طلبه‌های مدرسه دیوبند هند بودند، که همگی را باید به نوعی وهابی شمرد.

منبع: نسیم بیداری / شماره ۲۸

## واکنش رهبر انقلاب نسبت به اظهار

### نظرهای غلوآمیز درباره ایشان

ادامه از صفحه اول

۲) اگر کسی در مقابل جوانان ادعا کند و بگوید نظام اسلامی ما هیچ عیبی ندارد و همان قالبی را که اسلام خواسته، ما پیاده می‌کنیم، گراف گفته است. به هیچ وجه این طور نیست. خود ما انسانهای ضعیفی هستیم. وقتی کسانی اسم مبارک امیرالمؤمنین علیه‌السلام یا اسم مبارک ولی‌عصر روحی فداه را می‌آورند، بعد اسم ما را هم دنبالش می‌آورند، بنده تنم می‌لرزد. آن حقایق نور مطلق، با ما که غرق در ظلمتیم، بسیار فاصله دارند. ما گیاه همین فضای آلوده دنیای امروزیم؛ ما کجا، کمترین و کوچکترین شاگردان آنها کجا؟ ما کجا و قبر آنها کجا؟ ما کجا و آن غلام حبشی فداشده در کربلای امام حسین علیه‌السلام کجا؟ ما خاک پای آن غلام هم محسوب نمی‌شویم. اما آنچه که حقیقت است، این است که ما به عنوان مسلمانانی که راهمان را شناخته‌ایم، تصمیم خود را گرفته‌ایم و نیروی خود را برای این راه گذاشته‌ایم؛ با همه وجود در این راه حرکت می‌کنیم و ادامه خواهیم داد.

**بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان ۱۳۸۰/۸/۱۲**  
 ۳) یک خطاب آخری هم عرض کنم به مولامان و صاحبان، حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه): ای سید ما! ای مولای ما! ما آنچه باید بکنیم، انجام میدهم؛ آنچه باید هم گفت، هم گفتیم و خواهیم گفت. من جان ناقابل دارم، جسم ناقصی دارم، اندک آبرویی هم دارم که این را هم خود شما به ما دادید؛ همه‌ی اینها را من کف دست گرفتم، در راه این انقلاب و در راه اسلام فدا خواهم کرد؛ اینها هم نثار شما باشد. سید ما، مولای ما، دعا کن برای ما؛ صاحب ما تویی؛ صاحب این کشور تویی؛ صاحب این انقلاب تویی؛ پشتیبان ما شما هستید؛ ما این راه را ادامه خواهیم داد؛ با قدرت هم ادامه خواهیم داد؛ در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما.

خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۸/۳/۲۹

اشاره: محقق گرامی حجت الاسلام والمسلمین استاد سیدهادی خسروشاهی، عمری را در تحقیق و پژوهش در زمینه های گوناگون دینی و اجتماعی، به ویژه بیداری اسلامی و جریانات فعال مبارزاتی جهان اسلام صرف کرده و لذا همواره تحلیل های ارزشمندی را در گنجینه ذهن خود دارند. در این گفتگو نیز با عنایت به بخشی از این تحلیل ها، به بررسی آخرین اشتباه بزرگ تاریخی غرب، یعنی توهین به ساحت مقدس نبی مکرم اسلام (ص) می نشینیم. با سپاس از استاد که با صرف وقت و حوصله بسیار، چون همیشه به پرسش های ما پاسخ های دقیق و مستند دادند.

روزنامه جوان ۲۹ شهریور ۱۳۹۱

\*\*\*

ظاهراً جنابعالی در پژوهشی پیرامون مقوله اسلام ستیزی در غرب آن را به فعالیت ها و آثار مستشرقین ربط می دهید. به عنوان نخستین سؤال مایلیم مبانی این نگاه را برای ما تبیین بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. موضوع گفت و گوی ما در واقع بررسی مسئله اسلام ستیزی در غرب است و با توجه به اینکه این عنوان خیلی عام و کلی است و باید تقسیم بندی های لازم در مورد مسائل مربوط به آن به عمل آید، بنده در اینجا فقط به بخشی از آن که استشرق و عملکرد مستشرقین و سپس ارباب کلیسا و مبشرین است فهرست وار اشاره می کنم و بی تردید بررسی موضوع نیازمند فرصت بیشتر و تشکیل یک سمینار و تألیف چندین جلد کتاب است.

با اینکه مسئله استشرق به عنوان یک پدیده سیاسی - علمی، با تاریخی نه چندان کوتاه، مطرح است، ولی شاید تاکنون تعریف جامع و مانعی از آن به عمل نیامده باشد. بعضی ها استشرق را بررسی یک سلسله مفاهیم و مسائل متداخل می دانند که در واقع نوعی "علم است" و موضوع آن تحقیق درباره "جوامع شرقی" از سوی دانشمندان غربی است. بعضی ها آن را یک روش علمی برای شناخت نوع اندیشه ها، ایدئولوژی، حتی نزدها و قومیت های شرقی دانسته اند... و سرانجام گفته اند که استشرق یعنی "شرق شناسی" به مفهوم عام و مستشرقین هم افرادی هستند غربی که درباره اندیشه و تمدن و تاریخ اسلامی و شرقی به تحقیق می پردازند.

ولی برخی دیگر پدیده استشرق را به گونه ای دیگر معنا کرده اند که نگاه پژوهشگر را به این پدیده تغییر می دهد.

بله، به عنوان نمونه آدوارد سعید<sup>۱</sup> اندیشمند فلسطینی الاصل و امریکایی المسکن! استشرق را نوعی ابزار برای شناخت شرق توسط غرب، برای ادامه و استمرار سلطه استعمار و استعمار غربی معرفی کرده است.

از این تعریف، می توان چنین استنتاج کرد که استشرق یا شرق شناسی، یعنی اهتمام و توجه خاص به اوضاع شرق و کشف نظرها و اندیشه های ملل و بررسی اسرار و شرایط اقتصادی - اجتماعی و منابع طبیعی و ثروتی آن، و آگاهی از فرهنگ و تمدن قدیم و وضع فعلی و کشف نقاط قوت و ضعف، در راستای آماده سازی و مقدمه چینی برای استمرار سلطه استعمار غربی و حملات مذهبی تحت عنوان تبشیر مسیحی گری است... در واقع این نوع شرق شناسی که همواره مورد اهتمام همه یا اکثریت قاطع مستشرقین پیشین بوده، زمینه ساز اصلی برای سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی نیروهای غربی بر کشورهای شرقی - به ویژه اسلامی بوده است.

ریشه یابی عوامل اسلام ستیزی غرب در گفتگو با استاد خسروشاهی:

## انگیزه های صلیبی - صهیونی پشت این رویداد است

استشرق چهار مرحله ترسیم کرده اند:

- ۱- مرحله استشرق مذهبی و رابطه آن با تبشیر
- ۲- مرحله نظامی و آثار جنگ های صلیبی بر استشرق
- ۳- مرحله سیاسی - استعماری برای استشرق
- ۴- مرحله چهارم، پدیده استشرق علمی و آکادمیک!

مرحله اول پس از کشف ثروت عظیم علمی مسلمانان در قرن ۱۲ میلادی، در اندلس از سوی اروپاییان آغاز شد که همین آگاهی، باعث یورش مستشرقین به اندلس به ویژه قرطبه و آشبیلیه گردید که به سرعت فرضیه ها و افکار و آثار علمی را از مسلمانان دریافتند و حتی به ترجمه قرآن به زبان های اروپایی پرداختند و سپس به بررسی احوال و اوضاع کشورهای اسلامی و مسلمانان اقدام نمودند و همین شناخت، انگیزه ای شد که مبشران هم مستقیماً به میدان آیند و با همکاری مستشرقین به فتنه انگیزی در بین مسلمانان پردازند و در واقع آنها برای انتقام گیری از فتوحات مسلمانان، با هرگونه وسیله ای حتی غیرانسانی و ضداخلاقی، به اسلام ستیزی پرداختند و همین امر مقدمه آغاز جنگ های صلیبی بود.

مرحله دوم که استشرق نظامی بود، با جنگ های صلیبی شروع می شود که در این مرحله تبشیر نیز نقش اساسی داشت و چون سرانجام از راه استمرار جنگ نتیجه ای را پیش بینی نمی کردند به دستور پاپ انوست چهارم در ۱۲۴۸ م کرسی بررسی های عربی - اسلامی در دانشگاه پاریس تأسیس شد و سپس مجلس عالی مبشرین در ۱۲۵۰ م مدرسه عالی آموزش زبان عربی و اسلام شناسی را پی نهاد که گروهی از مستشرقین و مبشرین را برای مأموریت های ویژه آموزش داد و تربیت کرد.

در این دوران ضمن از بین بردن و آتش زدن کتاب های خطی و آثار اسلامی در اسپانیا، به جمع آوری بعضی از آثار علمی - اسلامی نیز اقدام نمودند تا از آنها استفاده کنند، ولی همچنان در سرکوب مسلمانان، به هر نحوی که مقدور بود کوشا بودند و در واقع در این مرحله همکاری همه جانبه نیروهای نظامی با گروه های تبشیری نقش ویژه ای در سلطه تدریجی استعمار غربی بر بلاد اسلامی در آفریقا و گسترش اسلام ستیزی در دنیا داشت.

در مرحله سوم و پس از قتل عام های مسلمانان در اندلس و "جنگ های صلیبی"، استشرق سیاسی آغاز می شود... در این دوران مستشرقین و مبشرین منابع اصیل و معتبری در اختیار داشتند و با ترجمه آنها ضمن پیشبرد هدف های علمی خود به تأسیس جمعیت ها و سازمان های وسیع سیاسی و جاسوسی در اروپا اقدام کردند که نتیجه این مرحله، نفوذ تدریجی سیاسی - نظامی در بلاد آفریقا و آسیا بود.

متأسفانه پدران روحانی! و سازمان های کلیسایی، در این مرحله نیز دربست در اختیار حاکمیت های غربی بودند و تا توان داشتند به اسلام ستیزی همه جانبه دامن زدند. گورانس براون<sup>۲</sup> مبشر معروف در یک سخنرانی هدف نهایی تبشیر را برای اروپاییان چنین تشریح می کند: اگر مسلمانان بتوانند در یک امپراتوری عربی - اسلامی متحد شوند، لعنتی! برای دنیا و خطری برای همه ما خواهند بود، اما اگر ما آنها را متفرق سازیم، در آن صورت دیگر تأثیر و ارزشی نخواهند داشت.

از اینجا می توان علت پیدایش دولت های کوچک اسلامی و شرقی مستعمره شده اروپایی ها: فرانسه، ایتالیا، انگلیس، پرتغال، آلمان و دیگران را به دست آورد. در این دوره باز تبشیر در خدمت استعمار است و به قول "جوهر لعل نهر" -

مسلمانان نشان داد و متأسفانه علیرغم اعتراض همه کشورهای اسلامی و مسلمانان سراسر جهان، حاضر به عذرخواهی از مسلمانان نگردید و حتی در دیدار با سفرای کشورهای اسلامی مقیم واتیکان هم فقط از لزوم گفت و گو با مسلمانان سخن به میان آورد و گویا افسانه معصومیت پاپ - برخلاف نصوص کتاب مقدس که حتی برای انبیا هم خطا و اشتباه و انجام توبه نقل می کند - این اجازه را نداد که وی از مسلمانان عذرخواهی کند... همان طور که پاپ ژان پل دوم هم پس از عذرخواهی از یهودیان در مسئله اتهام قتل حضرت مسیح توسط آنها و تبرئه آنها از خون مسیح (ع)، علیرغم درخواست مسلمانان - از جمله اینجانب که در آن زمان در واتیکان بودم - حاضر به عذرخواهی از مسلمانان در مورد قتل عام های مسلمانان در جنگ های صلیبی که به فتوای پاپ ها انجام شد، نگردید.

**منتقدین شاخص مستشرقین در میان اندیشمندان اسلامی کدامند و در این نقدها چه اظهار کرده اند؟**

به هر حال عده ای از اندیشمندان و علمای اسلامی از چگونگی روش های تحقیق و پژوهش مستشرقین در مسائل اسلامی - به ویژه تاریخ اسلام - به شدت انتقاد کرده و آن را استمرار عداوت و بغض و دشمنی آحبار و رهبان<sup>۳</sup> و صهیونیسم مسیحی، برای نابودی اسلام نامیده اند. مثلاً محقق برجسته مصری، مرحوم دکتر "محمد البهی" همه پژوهش ها و آثار استشرافی را نوعی "ردیه نویسی



عملی بر اسلام و برای برگرداندن مسلمانان از دین خود می داند و حتی انسیمکلوپدی اسلامی را که مستشرقین آن را نوشته اند و در اروپا، بارها چاپ شده است، "خطرناک ترین اثر برای انحراف مسلمانان" می نامد و می گوید که این موسوعه یا دائرة المعارف، مرجع و مأخذ بسیاری از مسلمانان شده است که متأسفانه همه تحریف ها و اشکالاتی که عمداً در مقالات آن هست، مورد استفاده پژوهشگران مسلمان قرار می گیرد و البته می دانیم که ارباب کلیسا و گروهی از مبشرین هم پس از آنکه از تبشیر مسلمانان و اثربخشی آن در جهان اسلام مأیوس شدند، با همکاری مستشرقین به مقاله نویسی در دائرة المعارف ها و نشر اکاذیب و تحریف حقایق و چاپ هزاران کتاب و رساله و جزوه، در رد اسلام، به اسلام ستیزی پرداخته اند.

البته استشرق را در مورد "مستشرقین" هر کشور اروپایی و غربی و اهداف و انگیزه های آن یا توجه به اهداف سیاسی کشور خود، باید مورد ارزیابی و بررسی قرار داد ولی برای نمونه می توان اشاره کرد که جناب "لویی ماسینیون" همواره در خدمت استعمار فرانسه قرار داشته و مانند یک لژیون یا افسر اطلاعاتی فرانسه کار کرده است یا مستشرق امریکایی "برنارد لوئیس" برای مبارزه با اسلام خود را وقف اهداف صهیونیسم نمود و مدافع سرسخت ایجاد کشوری به نام اسرائیل در سرزمین فلسطینی ها بود.

**از منظر جنابعالی مراحل استشرق کدامند و هر یک چه ماهیتی دارند؟**

به هر حال بعضی از پژوهشگران برای

پس با این تعریف اخیر، استشرق هويت صرفاً پژوهشی خود را از دست می دهد!

بله، با توجه به این روش مستشرقین و هدف غیرمنطقی استشرق، نمی توان آن را علمی از علوم انسانی<sup>۴</sup> شمرد چون فاقد شرایط اساسی برای تحقق یافتن "صفت علمی" بودن است. با بررسی چگونگی پیدایش و تحول و تکامل مراحل استشرق و در واقع با توجه به تعدد اهداف مستشرقین - و در هر مرحله ای - یا اقدام افرادی مختلف در این زمینه، نمی توان آن را نوعی علم در راستای اهداف انسانی بشریت دانست.

**در نگاه کلی مستشرقین به چه طیف ها و اصنافی تقسیم می شوند و هر یک چه هویتی دارند؟**

ما اگر به تنوع افرادی که در گذشته در زمینه "شرق شناسی" فعالیت داشته اند توجه کنیم، خواهیم دید که آنها در تخصص ها و اهدافی که در هر مرحله ای پیگیر آن بوده اند، گوناگون و متفاوت از یکدیگر بوده اند. یعنی از روزگاران پیشین افراد گردشگر یا سیاح، مبشرین مسیحی، رجال سیاسی سلطه استکباری، باستان شناسان، مورخین و نمایندگان شرکت های اقتصادی و سازمان های نظامی و امنیتی و جاسوسی و بالاخره افراد شاغل به عنوان "دیپلمات"!

در مراحل مختلف، و هر کدام برای اهداف خاص خود، پیگیر مسئله شرق شناسی بوده اند و روی همین اصل، بعضی از اسلام گرایان آگاه، همه مستشرقین را "جاسوس و مزدور غرب معرفی کرده اند و معتقدند پژوهش های آنها فقط جنبه استعماری داشته است... از سوی دیگر، بعضی از روشنفکران جهان اسلام هم "خدمات" آنان را در پژوهش های تاریخی و شناخت و شناسایی تمدن و فرهنگ شرق به ویژه جهان اسلام، ستوده اند.

گروه اول می گویند که هدف نهایی مستشرقین از به اصطلاح پژوهش های خود، جز ضربه زدن به اسلام و ایجاد شک و تردید در بین مسلمانان و جلوگیری از گرایش صاحبان عقاید و مذاهب دیگر - به ویژه مسیحیان - به اسلام، چیز دیگری نبوده است و در همین راستا می بینیم که انگیزه های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و بالاخره استعماری این مستشرقین که در واقع مزدوران استعمار و دشمنان اسلام و مسلمانان هستند، ایجاد شبهه در اصالت نبوت پیامبر اسلام، متهم ساختن حضرت ایشان به خشونت و خونریزی است و سپس ایجاد تردید در آسمانی بودن قرآن مجید و اینکه ساخته و پرداخته خود حضرت محمد(ص) و یارانش بوده و احکام آن اقتباسی از احکام یهود دیگری و مسیحی گری است و حتی مدعی شده اند که داستان های انبیا هم که در قرآن آمده، در کتاب مقدس - تورات و انجیل - هم آمده است... و همچنین "سنت نبوی و احکام فقهی هم باز مقتبس از عادات و آداب و رسوم عرب جاهلی است و اصالت و استمراری برای همه زمان ها و مکان ها ندارد! احادیث منقول از حضرت محمد(ص) و یاران و اهل بیت او هم نوعی نیرنگ! برای پوشش دادن به باندهای سیاسی قبایل و سران اشراف عرب است... این نمونه هایی از اتهامات مستشرقین است و علاوه بر اینها اتهامات بی شمار دیگری از این قماش نیز در اغلب کتاب های مستشرقین و مبشرین آمده است و متأسفانه یکی از نمونه های آن سخنرانی شرم آور جناب بندیکت شانزدهم<sup>۵</sup> پاپ فعلی مسیحیان بود که گویا رهبر تبشیر اخلاق! مسیحیگری است، اما در واقع سخنگوی امپریالیسم گردید و با نقل اهانت های امپراتور بیزانس در قرون وسطی، دشمنی خود و سازمان واتیکان را در قبال اسلام و

## مراجع تقلید و لزوم استقلال حوزه‌ها

حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی از مراجع تقلید گفتند: حوزه‌های علمیه تبدیل به کانون بسیار بزرگ علمی جهان شده‌اند و علما و مراجع، مفسران و متکلمان بزرگی در رشته‌های مختلف مشغول فعالیتند.

به گزارش ایرنا، این مرجع تقلید در مراسم آغاز سال تحصیلی جدید حوزه‌های علمیه کشور در مدرسه فضیبه قم، اظهار داشتند: نیازهای بشری فزونی یافته و شبهاتی که هر روز القاء می‌شود فراوان است لذا حوزه‌های علمیه باید در برابر خواست‌های زمان پاسخگو باشند.

دنیای امروز شاهد ناآرامی‌های بسیاری است، ولی ما در کشوری آرام زندگی می‌کنیم. این مرجع تقلید ادامه دادند: حوزه‌ها باید جوابگوی نیازهای زمان در مسائل فقهی باشند و حوزویان باید بر میراث گذشتگان بیفزایند.

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی با بیان این که هر زمانی پیام مخصوص به خود را دارد، خاطر نشان کردند: امروز دنیا تشنه پیام مکتب اهل بیت (ع) است و حوزویان باید با حضور در رسانه‌های مختلف، صدای اسلام را به تمامی دنیا برسانند.

ایشان با اشاره به ضرورت حفظ استقلال حوزه‌های علمیه، گفتند: اگر به دولت وابسته شویم، نمی‌توانیم حرف حساب بزنیم و تصمیم‌های دولت روی تشکیلات ما اثر می‌گذارد و این امر برای ما عیب است. باید منابع مستقلی از دولت داشته باشیم و با وجود این که به سیله وجوه شرعیه شهریه‌های طلاب داده می‌شود، باید منابع دیگری برای ساخت مدارس و تبلیغ در داخل و خارج و چاپ کتاب تدارک ببینیم تا که هیچ‌گونه وابستگی نباشد.

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی هم در مورد استقلال حوزه‌ها گفتند: حوزه از تمامی جهات و ابعاد باید مستقل باشد، چه از نظر استقلال مادی و چه از نظر استقلال فکری و درسی و هم از نظر استقلال اساتید و طلاب محترم.

بنده راجع به استقلال حوزه‌ها به حوزه علمیه کنونی نجف مثال می‌زنم و می‌گویم که حوزه نجف نماد استقلال حوزه است، چرا که یک مرجع ایرانی، یک عرب و یکی هم از افغانستان و یکی از پاکستان به عنوان مراجع آنجا معروف و مشهورند.

حوزه باید در همه جهات استقلال داشته باشد. مسأله استقلال مادی حوزه خیلی مهم است. در گذشته، حوزه با آن سختی‌های معیشتی، استقلال خودشان را حفظ می‌کردند، قدرت دینی خود را نگه می‌داشتند و وظایف خود را به بهترین وجه انجام می‌دادند.

این مرجع تقلید اضافه کردند: باید برنامه‌های منظمی باشد که آقایان طلاب بتوانند به شبهات پاسخ کامل بدهند و شبهه‌ای بی‌جواب نماند.

نکته دیگر، ترویج عرفان‌های دروغین است که با مبانی اسلام و سیره ائمه معصومین (ع) تطابق ندارد. کرامت‌های دروغی که گفته می‌شود، همه باید حذف شود. اگر اینها این‌گونه پیش برود، علم و مبانی عقلی از بین می‌رود و مردم هم خیال می‌کنند که مطالب ائمه (ع) هم از نوع همین مطالب است.

این افکار برای حوزه خطرناک است و حتماً باید جلوی آن گرفته شود.

حضرت آیت‌الله صافی با اشاره به این که شما عزیزان که از خبرگان هم هستید باید با شجاعت و طیفه نصیحت از سطح عالی گرفته تا دانی را انجام بدهید و اگر من هم اشتباهی دارم به من تذکر دهید، افزودند: باید بگویم که اگر برخی مطالب همین طور پیش برود، پنج سال دیگر نمی‌توانیم جلوی این مفاسد بایستیم. مسأله بی‌حجابی برای جامعه انقلابی و اسلامی ما ننگ است. باید تذکر بدهید. بدحجابی و بی‌حجابی در ادارات، نهادها و خیابان‌ها را می‌شود با تدبیر و روش‌های اسلامی از میان برد.

جوان مسلمان را در بلاد اسلامی از اصل اسلام دور کنند تا بلکه بتوانند به نتیجه مطلوب برسند.

## برای مقابله با این پدیده زشت چه باید کرد؟

من اعتقاد دارم که دشمنان صلیب - صهیونی به توطئه‌های خود ادامه خواهند داد و باز قرآن هدف نهایی آنها را به ما می‌گوید: **وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ**: یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، مگر اینکه پیروی از آنها را بپذیری، پس باید در مقابل این دشمن به هر وسیله ممکن ایستاد و مبارزه کرد.

در شرایط کنونی و با توجه به سکوت مطلق محافل مذهبی غیر مسلمان در قبال این هجمه و این فیلم شرم‌آور بر ضد پیامبر اعظم (ص)، علمای مسلمین و کشورهای اسلامی باید به طور مستقل اقدام کنند.

وقتی ما می‌بینیم جناب پاپ کاتولیک که به منطقی می‌آید، حتی حاضر نیست یک کلمه راجع به این موضوع سخن بگوید که نشان‌دهنده رضایت باطنی او و ماهیت واقعی ارباب کلیساست - باید خود علمای اسلام اقدام کنند... در جریان آتش زدن قرآن مجید، توسط کشیش امریکایی مگر دولت امریکا با ارباب کلیسا چه اقدامی کردند؟ همان وقت هم مسئولان دولت امریکا با بی‌شرمی سخن از آزادی بیان! کردند و تحت همین عنوان به هجمه فرهنگی خود ادامه می‌دهند...

## چه نوع اقدامی منظورتان است؟

در شریعت پاپ‌ها، کیفر و مجازات اهانت به حضرت مسیح (ع) اعدام و سوزاندن است! در شریعت یهود! کیفر توهین به حضرت موسی اعدام و تحقیق درباره قتل عام یهود توسط فاشیست‌های مسیحی غربی، مستوجب زندان و محرومیت از آزادی بیان است... ما اکنون باید به‌طور مستقل و رسمی و قانونی وارد میدان شویم و طرح و لایحه و قانونی با نظرخواهی از همه علمای بلاد اسلامی، کیفر و مجازات اهانت‌کنندگان به پیامبر اعظم اسلام (ص) و انبیای دیگر و پیشوایان مذهبی و مقدسات مسلمانان را تنظیم کنیم و به تصویب همه علمای مذاهب اسلامی و سپس مجامع بین‌المللی برسانیم تا همه‌روزه شاهد تکرار این نوع اقدامات نباشیم و پس از انجام اهانت‌ها مجبور به دفاع بشویم. یک قطعنامه رسمی و بین‌المللی اسلامی می‌تواند غرب مسیحی و دشمن صهیونی را در هر شکل و لباس که باشند، پاسخگو باشد.

## کدام نهادی باید به این امر اقدام کند؟

بی تردید در مرحله نخست مراجع عظام و علمای بلاد و سپس شخصیت‌های حقوقی - قانونی، با همکاری مسئولان رسمی، باید در طلیعه این قیام و اقدام جهانی حضور داشته باشند... حتی اگر مجامع بین‌المللی تحت اختیار استیکار جهانی، حاضر به قبول آن قانون نباشند، حداقل در ۵۲ کشور اسلامی می‌توان با استناد به آن قطعنامه قانون مجرمان و تبهکاران را تحت پیگرد و کیفر قرار داد و من فکر می‌کنم دبیرخانه جنبش عدم تعهد هم که مرکزیت آن در تهران خواهد بود، بتواند همراهی و همکاری آن کشورها را هم در تصویب این قانون جلب کند. به هر صورت باید به این نوع اقدامات شرم آور و با این غرب ستیزی گسترده امپریالیسم و مزدوران آن در سطح جهانی، برای همیشه پایان داده شود... بی شک کشورهای اسلامی می‌توانند در این مسیر صحیح و منطقی گام بردارند و چون مدعیان مسلمانی! و رجال و حکام بلاد به اصطلاح اسلامی، هرگز واکنش‌های مناسب در این قبیل حوادث به‌ویژه آخرین مسئله اهانت به پیامبر اعظم (ص) از خود نشان نداده‌اند و فقط ملت‌ها هستند که برای اعتراض به پا خاسته‌اند و ده‌ها شهید تاکنون تقدیم ساحت مقدس پیامبر اسلام (ص) کرده‌اند، ایران اسلامی باید در یک حرکت اسلامی در تهیه و تنظیم و تصویب یک قانون لازم‌الاجرا برای جلوگیری از این حوادث پیشگام و پرچمدار و پیشساز باشد که بی شک موفق هم خواهد بود.

إِنْ تَصْرَوْا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ.

**امریکایی تولید فیلم علیه پیامبر اسلام، مناسب است به حلقه‌های قبلی این توطئه هم اشاره داشته باشید.**

آخرین نمونه‌های آن را در فشار بر مسلمانان در همه کشورهای اروپایی و منع آنها حتی از پوشش اسلامی یا تضییع حقوق قانونی و انسانی آنها می‌توان دید که بی‌تردید همه دوستان از کم و کیف آن آگاه هستند و مهم‌تر از همه مسئله جنگ مقدس صلیبی "جورج بوش" یا رهبری صهیونیسم مسیحی بود که در دوره ریاست جمهوری خود آن را مطرح ساخت و بعضی‌ها ساده‌لوحانه گفتند که اشتباه لفظی بوده است و بعد هم با انگ مذهبی و سخنرانی "پاپ بندیکت" هجمه استمرار یافت و عجیب آنکه به خاطر همین سخنرانی جناب پاپ مدال افتخار هم از دانشگاه آلمان دریافت کرد! همان‌طور که همه نویسندگان ضد اسلام، از جمله سلمان رشدی، جوایز و مدال‌های افتخار از محافل به اصطلاح علمی - فرهنگی دریافت کردند. بی‌تردید قتل عام‌های مسلمانان سومالی، سودان، افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین و... هم از همین طرح اسلام ستیزی غرب سرچشمه می‌گیرد.

## برای جبران این مشکل چه پیشنهادی دارید؟

بنده پیشنهاد می‌کنم که علمای حوزه علمیه قم حتماً دو موضوع را مستقلاً مورد تحقیق و بررسی کامل قرار دهند؛ یکی استشرق و مستشرقین و دیگری تیشیر مسیحیگری به‌ویژه در ایران و از زمان قاجار تا کنون... و لابد می‌دانید که فعالیت علنی آنها حتی در خیابان‌های تهران، یا پخش مجانی جزوه‌ها و رساله‌ها و انجیل، هم اکنون هم ادامه دارد. البته دانشمندان عرب زبان کتاب‌های زیادی در این زمینه‌ها نوشته‌اند، ولی متأسفانه به زبان فارسی من کتاب مستقل و محققانه یا اثر ماندگاری ندیده‌ام. برای نمونه در مورد آثار منتشر شده به زبان عربی، می‌توان به کتاب‌های زیر اشاره کرد:

- الظاهره الاستشراقیه و اثرها علی الدراسات الاسلامیه: دکتر سالم الحاج، چاپ "جزیره مالت" ۱۹۹۱ م.

- موسوعه المستشرقین: عبدالرحمن بدوی، بیروت ۱۹۸۴ م

- الاستشراق: ادوارد سعید بیروت ۱۹۸۴ م  
 - المستشرقون نجیب العقیقی: در ۳ جلد، دارالمعارف مصر ۱۹۶۴ م

- مکافحه - الاستعمار ضد الاسلام: شیخ محمد محمود الصواف، بغداد ۱۹۶۰ م - مناہج المستشرقین: نقره التهامی - یک جلد از این مجموعه درباره القرآن و المستشرقون است.

- المستشرقون و ترجمه القرآن: محمد صالح البنداق ۱۹۸۰ م

- الاستشراق و التبشیر: ساسی سالم الحاج، دانشگاه فاتح، لیبی ۱۹۸۵ م

- التبشیر و الاستعمار، مصطفی خالد و عمر فروخ، بیروت ۱۹۷۵ م

## انگیزه اصلی از تهیه فیلم اهانت‌بار اخیر درباره پیامبر اعظم توسط یک مسیحی با سرمایه چند میلیونر صهیونیست چیست؟

قرآن مجید در این زمینه پاسخ روشنی دارد: **لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ...** یهود دشمنان سرسخت مردم با ایمان هستند. آنها علاوه بر جنایات ضد بشری که در قرن گذشته مرتکب شده‌اند، در عصر ما هم با همکاری صلیبی‌ها به این دشمنی در همه زمینه‌ها ادامه می‌دهند. ترور دانشمندان برجسته کشورهای اسلامی مصر، ایران، عراق و... نمونه‌ای از این عداوت صلیبی - صهیونی است. جنگ‌های مختلف در بلاد اسلامی با همکاری این دو دشمن ضد بشر، بخش دیگری از اسلام ستیزی غرب است. آنها در نهایت چون به هدف اصلی خود که سرکوب کامل مسلمانان است، نمی‌رسند، به حربه جدید "فداس‌زدایی" و متهم ساختن پیامبر اعظم ص و دیگر پیشوایان دینی و مقدسات مذاهب اسلامی روی آورده‌اند و در واقع می‌کوشند نسل

شخصیت فقید هندی - در کتاب "تاریخ جهان" نخست پدران روحانی با کتاب مقدس وارد شدند و سپس نیروهای نظامی غربی سرازیر گشتند.

در مرحله چهارم که با عنوان استشرق علمی یا اسلام‌پژوهی شروع می‌شود، باز نمی‌توان گفت که همه مستشرقین در پژوهش‌های خود هدف تحقیق علمی - تاریخی داشته‌اند، ولی می‌توان پذیرفت که بعضی از آنها در بیان حقیقت صادق بوده‌اند و اگر دچار اشتباهاتی شده‌اند، در واقع ناشی از جهل و عدم شناخت کامل از اسلام و مسلمانان و ندانستن زبان ملت‌های شرقی و اسلامی بوده است. پس کلاً می‌توان گفت که از یک قرن پیش، استشرق علمی در همه کشورهای غربی از جمله: فرانسه، ایتالیا، انگلستان، آلمان، اتریش، اسپانیا، هلند، روسیه و امریکا آغاز شد و در این مرحله مستشرقین علاوه بر بررسی اوضاع گونه‌گون بلاد شرقی، به تحقیق و بررسی کتاب‌های خطی جمع‌آوری شده از جهان اسلام و شرق نیز پرداختند... و بعضی از آن کتاب‌ها را با تحقیق ستودنی منتشر ساختند و بقیه را هم نوعاً فهرست نویسی کرده و به کتابخانه‌های اروپایی سپردند... و بی‌شک به نوبه خود در معرفی اسلام و شرق گام‌های مثبتی برداشتند.

## قاعدتاً جناب‌عالی در کل نسبت به پدیده استشرق نگرشی منفی دارید، با این حال قابل انکار نیست که در مواردی مستشرقین موجه یا نسبتاً موجهی هم ظهور کرده‌اند و شخص شما نیز شاهد فعالیت‌های ایشان بوده‌اید.

همانطور که اشاره شد گروهی از اینها در جمع‌آوری و نگهداری مخطوطات و آثار تمدن اسلامی و سپس تحقیق و بررسی و نشر آنها کمال دقت و همت را به کار برده‌اند و حتی در مورد قرآن مجید هم نخستین فهرست الفاظ قرآن یا به اصطلاح ما "معجم المفهرس" برای قرآن و حتی سنت نبوی را، بعضی از اینها مانند ژول لایوم فرانسوی انجام داده‌اند و بعداً - یعنی در قرن ما - عده‌ای از علمای اسلامی - عمدتاً مصری - به تکمیل این امر همت گماشته‌اند.

البته این بحث را مرحوم "مالک بن نبی" اندیشمند فقید الجزایری، در انتاج المستشرقین و اثره فی الفكر الاسلامی الحدیث و دکتر میشل جحا در الدراسات العربیه و الاسلامیه فی اروپا و دیگران، به‌طور مشروح مورد بحث قرار داده‌اند.

البته فراموش نمی‌کنیم که مستشرقی به نام "هانری کرین" هم صادقانه به شناخت اسلام و تشیع پرداخت و در این راستا به کوشش‌های بی‌ظنیری دست زد و بارها و بارها در ایران به محضر اساتیدی چون علامه طباطبایی و استاد مطهری و استاد سیدجلال آشتیانی رسید و ده‌ها کتاب فلسفی - عرفانی شیعه را به فرانسه ترجمه نمود و چاپ کرد

و به قول مرحوم استاد علامه طباطبایی، "سرانجام هم مثل یک شیعه راستین از دنیا رفت... یا مستشرق دیگر امریکایی به نام "زیچارد میشل" برای تحقیق درباره حرکت آخوان المسلمین به مصر آمد و پنج سال تمام در این زمینه و از نزدیک و درون، تحقیق کرد و محصول پژوهش خود را تحت عنوان "آخوان المسلمون" منتشر ساخت که واقعاً محققانه و کاملاً منصفانه است و خوشبختانه این کتاب را من چند سال پیش ترجمه کردم که اخیراً پس از بازبینی و ویرایش، در دو جلد و ۸۰۰ صفحه توسط مرکز اسناد و دیپلماسی وزارت امور خارجه چاپ شده است و یا خانم "آنا ماریاشمیل" آلمانی که ده‌ها کتاب و مقاله درباره پیامبر اکرم و اسلام نوشت و منتشر ساخت و در واقع عاشق پیامبر اکرم (ص) و عرفان اسلامی بود... به هر حال می‌توان پس از اشاره فهرست گونه به مراحل چهارگانه استشرق که در همه مراحل هم با اسلام ستیزی و مسلمان کشی همراه بوده است، به این نکته هم باید اشاره کرد که اسلام ستیزی غرب در مرحله چهارم نیز به‌رغم عنوان استشرق علمی، با شدت بیشتر و شکلی دیگر، همچنان ادامه یافت و دارد...

## قبل از پرداختن به توطئه اخیر صهیونیستی -

محمد(ص) شمع جمع عالم ماست به خلقتش آدمیت را بیاراست بود او رحمت ذات الهی مطبوعش کائنات از مه به ماهی دو دنیا را خدا از بهر او کرد ز هبیتش بشر با آبرو کرد بشیر است و نذیر و مظهر حق پیمبر، رهنما و رهبر خلق به نوبت خاتم پیغمبران است به رتبت سرور نام آوران است سعادتمند جمله پیروانش ذلیل و خوار و مسکین دشمنانش کلامش وحی ذات کردگار است کنایش نور و از پروردگار است هر آنچه نوح و ابراهیم و موسی سلیمان، یوسف و داوود و عیسی ز علم و داد و تقوا و شجاعت ز فضل و حکمت و صدق و شهامت و دیگر معنویت های والا ز اخلاق و صفات نیک و زیبا که در ایشان بود، اوراست کامل به تنهایی و از دیگر فضایل مزین گشته با الطاف یزدان بمانند: سخا و مهر و احسان ... ولی افسوس خفاشان جاهل که با تاریکی دمسازند و مایل و نتوانند خورشید جهان را ببینند و به آن سازند جان را منیر و باصفا، آکنده از مهر چه باطنشان هویدا است در چهر دروغ از تعصب کان کند سخت دل بدگوهران را تا کشند رخت

## در پی اسائه ادب به ساحت مقدس پیامبر رحمت

## شمع جمع آفرینش

فرموده است.  
۶- برگرفته از: ما کان مُحَمَّدًا اَبًا مُحَمَّدًا اَبًا مُحَمَّدًا اَبًا مِنْ رَجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ. (احزاب: ۴۰)  
۷- مقتبس است از آیات: قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ اِلَيَّ... (کهف/۱۱۰) و مَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُّوحَىٰ. (نجم، ۳-۴)  
۸- نظیر مضمون آیه ۱۷۴ سوره نساء: يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُبِينًا  
۹- یادآور این بیت معروف است:  
حُسْنُ يَوْسُفَ، يَدُ بَيْضَا، دَمُ عَيْسَى دَارِي  
أَنِجَةَ خُوبَانِ هَمَّةٌ دَارِنْدُ تَوْتِنَهَا دَارِي!  
۱۰- خفاشان جاهل، کنایه است از کوردلان نادانی که صفت بارز اغلب دشمنان اسلام و مخالفان پیامبر گرامی این آیین آسمانی هستند.  
۱۱- یادآور ضرب المثل معروف: الْخَائِنُ خَائِفٌ أَسْت. (نجم، ۳-۴)  
۱۲- منظور کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی است.  
۱۳- اشارت است به جنایتی که چند سال قبل عده‌ای ملحد ضد اسلام در بعضی از کشورهای اروپایی از جمله دانمارک و آلمان با کشیدن و نشر کاریکاتورهای موهن از پیامبر اکرم(ص) موجب برافروختن آتش خشم عده‌ای از مسلمانان غیرتمند جهان شدند.  
۱۴- رک به شرحی که ذیل شماره ۳ پاورقی حاضر ارائه شده است.  
۱۵- باذل: بخشنده، بذل کننده  
۱۶- یم: دریا  
۱۷- مفهوم این بیت اقتباس شده است از مضمون آیه هشتم سوره صف، که خداوند درباره گروهی از بدخواهان اسلام و پیامبر رحمت او چنین فرموده: يَرْيَدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ  
۱۸- منظور از شیطان بزرگ دولت استعمارگر آمریکاست که این صفت را از اوائل انقلاب اسلامی مرحوم امام خمینی رهبر و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران به او دادند.

ز واقع بینی و فکر سزاوار به وادی خیال و سست پندار که جای منطق و عقل و درایت به گمراهی روند، و بر هدایت خط بطلان کشند و کین بورزند به پاکبها! و از وحشت بلرزند چه می دانند فعلشان گناهی ست که کیفر دارد و بهره اش تباهی ست ولی با سُخره و توهین و بهتان جسارتها کنند بر اصل ایمان! زمانی دفتر آیات شیطان نویسنده از سر پستی و حرمان زمانی دیگر: گستاخی شان را به تصویر نبی حق نشان را هدف سازند و آتشها فروزند بدین آتش خود و دلها بسوزند! و با توهین به میلیونها مسلمان که هستند پیر و فرمان یزدان جسارتها کنند بر نوع انسان! به دینداری و ایمانش و اینسان به قدر و ساحت قدس پیمبر رسول آسمان، منجی اکبر چنانکه این زمان با مکر و تزویر فراهم کرده اند فیلمی به تدبیر که توهین است بر آن سرور پاک امام المرسلین، آکس که لولاک به شأنش از خدا نازل بگشته ست به پیمش آسمان باذل بگشته ست به باران بهاری کآن بروید: به گلشن لاله و در باغ شوید ز سبزه و از درختان گرد غم را جاری سازد در انهار یم را و غافل دشمنش کاین را نداند و یا از جهل این نکته نخواند

۱- شمع جمع آفرینش: نام منظومه‌ای از نگارنده این سطور که در منقبت نبی اکرم اسلام(ص) و امامان همام تشیع علوی سروده شده، چاپ دوم این کتاب در بهار سال ۱۳۹۰ش، توسط مجمع جهانی اهل بیت(ع) در تهران طبع و نشر گردیده است.  
۲- تلخیصی است به مضمون آیه ۴ سوره قلم: وَأَنْكَ لَعَلِّي خُلِقْتُ عَظِيمٌ.  
۳- اشارت است به احادیث قدسی: لَوْلَا كَلِمَا خَلَقْتُ الْاَفْلَاكَ. وَ لَوْلَا مُحَمَّدٌ(ص) مَا خَلَقْتُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ وَ لَا السَّمَاوَاتِ وَالْاَرْضَ وَ الْكُرْسِيَّ وَ لَا اللُّوْحَ وَ الْقَلَمَ وَ لَا الْجَنَّةَ وَ لَا النَّارَ وَ لَوْلَا مُحَمَّدٌ(ص) مَا خَلَقْتُ الْاَدَمَ. رک به احادیث مثنوی، به جمع و تدوین: بدیع الزمان فروزانفر، چاپ دوم، تهران ۱۳۴۷ش، انتشارات امیر کبیر، ص ۱۷۲  
۴ و ۵- تلخیصی است به مضمون آیه ۱۱۹ سوره بقره: اَنَا ارسلناک بالحق بشیراً و نذیراً... که خداوند در این آیه رسول گرامی خود را با دو صفت: بشیر و بشارت و مژده دهنده به نیکوکاران، و نذیر یا ترساننده کافران و بدکاران معرفی و توصیف

## ضرورت ترجمه متون



آنان الگوگیری نکنند!! به نظر می رسد این توهم و پندار غلط که در ذهن برخی از ما نفوذ کرده، ریش استعماری دارد و طراحان این افکار و ایده‌ها می خواهند از این طریق، راه توسعه علوم و دانش های دینی را در جامعه و بخصوص در میان جوانان ما ببندند. طبیعی است وقتی ما کتاب های فلسفی، حقوقی، فقهی، کلامی و... خودمان را به فارسی ننگاریم و ترجمه نکنیم، ترجمه کتاب های دیگران قفسه های کتاب جوانان ما را در خانه و دانشگاه و دبیرستان و... پر می کند و بالمآل افکار و ایده های دیگران در ذهن و ضمیر جوانان ما جای می گیرند. بنابراین ما برای این که فرهنگ دینی خودمان را در ذهن و اندیش نسل جوان و نوحاست کشورمان جای دهیم، باید با زبان آنان سخن بگوییم و با همین زبان برای آنان چیز بنویسیم و متون درسیشان را با قلمی بنگاریم که بفهمند و با میل و رغبت به مطلع آنها پردازند. از این رو، ترجمه کردن متون درسی حوزوی - که غالباً به زبان عربی است - و برگردان آنها به زبان فارسی یک ضرورت است.

ج) مگر ما در حوزه های علمیه برای فارسی زبانان به زبان فارسی و برای عرب زبانان به زبان عربی و برای ترک زبانان به زبان ترکی و برای انگلیسی زبانان به زبان انگلیسی و برای اردوزبانان به زبان اردو و... تدریس نمی کنیم؟! چه فرقی بین تدریس دروس حوزوی و تألیف متون برای آموزش

علوم حوزوی وجود دارد؛ البته آنها که می توانند و فرصت دارند که زبان عربی را فرا گیرند و مستقیماً از متون عربی درسی استفاده کنند، چه بهتر که چنین کنند. اما برای قشر عظیمی از علاقه مندان به علوم و دانش های دینی و اسلامی که توانایی استفاد مستقیم از متون عربی و درسی حوزه را ندارند، راهی جز ترجمه این متون با قلم و نگارش روان و سلیس و جذاب وجود ندارد و این مسئولیت مهم به عنوان یک وظیفه و رسالت سنگین بر دوش کسانی است که قدرت نویسندگی دارند و می توانند با قلمی شیوا و نگارشی زیبا مطالب علمی را برای نسل جوان عرضه کنند.

د) مقام معظم رهبری (دام ظلّه العالی) در جمع گروهی از اصحاب حکمت و فلسفه فرمودند: شما نخست باید کتاب های فلسفی خودمان مثل آثار ملاصدرای شیرازی را به زبان فارسی ترجمه و تبیین کنید و سپس آنها را به زبان های دیگر مثل انگلیسی و فرانسه و... ترجمه نمایید. چرا جوانان کشور خود ما از آثار فلسفی خودمان محروم باشند؟! هرگز ترجمه این کتابها، شأن فلسفه را پایین نمی آورد، بلکه ترجمه آنها خوانندگان و علاقه مندان فلسفه را بیشتر می کند... شما چرا - مثلاً - مشاعر ملاصدرای شیرازی را به فارسی ترجمه و شرح نمی کنید؟ الآن اگر کسی بخواند مجموع آراء صدر المتألهین را در یک کتاب فارسی به صورت خلاصه و فشرده ببیند، به چه کتابی مراجعه کند؟

## انگیزه اصلی انکار اسلام

## از نگاه حجت الاسلام والمسلمین نواب

عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت(ع) از تدوین و انتشار دو عنوان کتاب با موضوعات پیامبر(ص) از دیدگاه مسلمانان و اگر امروز پیامبر(ص) در بین ما بود چه می کرد؟ با هدف تصحیح دیدگاه غرب به اسلام خبر داد. "حجت الاسلام والمسلمین سید ابوالحسن نواب" با اعلام این خبر به مشورت خود با استادان مسلمان دانشگاه های هاروارد و پرینستون آمریکا پس از انتشار فیلم موهن اشاره کرد و گفت: موضوع یکی از این کتاب ها پیامبر(ص) از دیدگاه مسلمانان است. این کتاب نشان خواهد داد که شخصیت واقعی پیامبر(ص) چگونه است و غرب باید از چه منظری به اعتقادات مسلمین نگاه کند. این کتاب پس از تدوین، با ادبیات آمریکایی بازنویسی و منتشر خواهد شد. وی افزود: عنوان کتاب دوم این است که اگر امروز پیامبر(ص) در بین ما بود چه می کرد؟ در این کتاب به بخش های عمده ای از حیات پیامبر(ص) اشاره خواهد شد که در غرب مغفول مانده یا سانسور شده است. مثلاً اینکه پیامبر(ص) بعد از فتح مکه چه کرد؟ آیا از دشمنانش که او را اذیت و مجبور به مهاجرت کرده بودند و مسلمانان را شکنجه کرده و کشته بودند انتقام گرفت؟ یا اینکه اعلام کرد امروز روز عفو و مرحمت است؟ آقای نواب به مذاکراتش با اساتید و روحانیون مسیحی نیز اشاره کرد و گفت: من به آنان گوشزد کردم که اگر بخواهیم به موضوعات اختلافی پردازیم و شمشیر را به رخ یکدیگر بکشیم نتیجه این خواهد شد که همه ادیان، مکتب شمشیر هستند. رییس دانشگاه ادیان و مذاهب به بیانیه عذرخواهی شورای دوم کلیسای پاپی از مسلمانان در سال ۱۹۶۵ بابت خونریزی مسیحیان در جنگ های صلیبی هم پرداخت و تصریح کرد: بر خلاف این بیانیه کاتولیک ها، مسیحیت اروپا مسیحیت سکولار است؛ لذا همزمان با انقلاب اسلامی و قدرت گرفتن اسلام گرایان، مسیحیت صهیونیستی که همراهی کاتولیسم را با اسلام نداشت جنگ فرهنگی خود را با اسلام آغاز کرد. حجت الاسلام نواب انگیزه اصلی سلسله اهانت ها به اسلام را انکار اصل اسلام به دلیل وحشت از قدرت آن دانست و افزود: کلیسای انجیلی و مسیحیت صهیونیستی برای این انکار، از برخی متون غیر مستند درباره اسلام و پیامبر(ص) که متأسفانه در روایات اهل سنت وجود دارد - مانند افسانه غرانیق - بهره می گیرند. وی ابراز امیدواری کرد که با مقاومت مسلمانان و نیز کار علمی و فرهنگی، حقیقت اسلام و پیامبر(ص) برای جهانیان روشن شود.



## انتشار نخستین قرآن

## دارای سند ملکی

مدیر انتشارات کلک سیمین جزئیات تازه‌ای از انتشار نخستین قرآن دارای سندملکی در ایران بیان کرده است. اسدالله معظمی گودرزی مدیر این انتشارات با اشاره به قراردادی که میان این موسسه انتشاراتی و کتابخانه ملی ایران چاپ قرآن نفیس به خط محمدابراهیم قمی (معروف به قرآن قمی) منعقد شده است، به مهر گفته: قرارداد منعقد شده ۱۰ ماهه است و براساس آن ما موظفیم این قرآن را تا نمایشگاه کتاب تهران در سال ۱۳۹۲ منتشر کنیم.

البته پیش از آن زمان و به احتمال زیاد در اسفندماه امسال این قرآن رونمایی خواهد شد. مدیر انتشارات کلک سیمین با اشاره به ویژگی‌های این قرآن منحصر به فرد که قرار است تنها یک بار آن هم فقط در ۲۰۰۰ نسخه منتشر شود، اضافه کرده: کاغذی که برای چاپ این قرآن در نظر گرفته شده، از نوع کاغذ کتان با گراماژ ۷۰ یا ۸۰ گرم است که از جهت استحکام بهترین نوع کاغذ است. همچنین رنگ این قرآن به جهت لزوم شباهت با نسخه اصلی، نخودی خواهد بود.

معظمی گودرزی ادامه داده: در متن این قرآن ۸ تا ۱۰ رنگ به صورت دستی به کار خواهد رفت و برای آن قالبی مخصوص از جنس گردوی سیاه ساخته می‌شود که در پنج طرف این قالب، خاتم شیراز و منبت کار می‌شود. این قالب درون یک جعبه آلومینیومی ضد ضربه و خود این جعبه هم درون یک کیف شبیه کیف لب تاپ قرار خواهد گرفت. وی گفته: در جیب این کیف، دفترچه‌ای حاوی توضیحاتی کامل درباره این قرآن و دیگر قرآن‌های موجود در کتابخانه ملی به قلم اسحاق صلاحی، رئیس کتابخانه ملی ایران و نیز لزوم نگهداری از این قبیل قرآن‌ها به قلم بنده به عنوان ناشر کتاب خواهد آمد. به گفته مدیر انتشارات کلک سیمین، هدیه این قرآن به خریداران در زمان پیش خرید - که از ۱۹ رمضان آغاز شده ۱۵- میلیون تومان و در زمان فروش اصلی (بهار ۹۲) ۲ میلیون تومان است. معظمی گودرزی با بیان اینکه تا این لحظه ۸ نسخه از این قرآن پیش خرید شده است از صدور سند ملکی برای آن برای نخستین بار در تاریخ نشر در ایران خبر داده و افزوده: خریدار این قرآن با در دست داشتن فیش خرید آن و مراجعه به دفتر اسناد رسمی شماره ۱۲۸۵ می‌تواند آن را به نام خود ثبت کند.

وی گفته: هر نسخه از این قرآن شماره می‌خورد و با توجه به اینکه ارقام ابتدایی شماره کتاب‌ها در کتابخانه ملی ۱۹۷۰۲ است، بعد از این عدد، اعداد ۰۰۰۱ تا ۲۰۰۰ (با توجه به تیراژ ۲۰۰۰ نسخه‌ای این قرآن) خواهد آمد که این شماره همان شماره سریال کتاب خواهد بود. مدیر انتشارات کلک سیمین همچنین تاکید کرده با توجه به صدور سند ملکی برای این کتاب، هر خریدار تنها می‌تواند یک نسخه از آن را تهیه کند اما این امکان برای او وجود دارد که آن را در هر کجای جهان و به هر قیمتی که خود مایل است، عرضه کند. معظمی گودرزی در عین حال یادآور شده: بعد از چاپ این قرآن، اسناد این کار شامل فیلم و زینک و برخی موارد دیگر در جلسه‌ای با حضور نمایندگان وزارت اطلاعات، کتابخانه ملی، انتشارات کلک سیمین و یکی، دو نهاد امنیتی دیگر، معدوم خواهد شد تا دیگر هرگز این قرآن چاپ نشود. این اقدام نیز برای حفظ ارزش کلکسیون قرآن قمی انجام خواهد شد.

## توهین به پیامبر اسلام آزاد، انکار هولوکاست ممنوع!

قانون منع هولوکاست را به رسمیت بشناسد. ایتالیا هم در سال ۲۰۰۶، قانونی را که خواستار چهار سال زندان برای انکارکنندگان هولوکاست بود رد کرد. حتی بریتانیا نیز تاکنون دو بار قوانین مجازات انکارکنندگان هولوکاست را رد کرده است. دانمارک و سوئد نیز به همین ترتیب عمل کرده‌اند.

مشهورترین نمونه محاکمه منکرین هولوکاست، محاکمه مرحوم پروفیسور روزه گارودی، فیلسوف فقید و مسلمان فرانسوی است که مدت‌ها به طول انجامید. این محاکمه در حالی انجام می‌شد که گارودی پاره سن گذاشته بود و سال‌های عمرش از ۸۰ گذشته بود. اما محاکمه مرحوم روزه گارودی تنها نمونه از این دست نیست. در فوریه ۲۰۰۷، آرنتس زوندل، یک شهروند آلمانی به‌خاطر آنچه افکار نئونازیستی خوانده شد، به پنج سال زندان محکوم گردید.

در مارس ۲۰۰۶ نیز گرمار رودلف، یک شهروند آلمانی دیگر از ایالات متحده به آلمان عودت شد و به دو سال و نیم زندان محکوم گردید.

جرم وی این بود که هولوکاست را انکار می‌کرد. در جولای ۲۰۰۷، رهبر شاخه «حسن» حزب دموکراتیک ملی آلمان، مارسل وول، به‌خاطر آنکه گفته بود دولت با بردن دانش‌آموزان به محل سابق اردوگاه‌های متمرکز آلمان نازی، در حال شستشوی مغزی آنهاست، به زندان افتاد.

در اوت ۲۰۰۷، گرد هوسنیک، منکر اتریشی هولوکاست، در اسپانیا دستگیر شد. اتهام وی انتشار کتب و مقالاتی در خصوص به‌چالش کشیدن کشتار یهودیان در جنگ دوم جهانی بود. وی مجبور شد به مالاگافرار کند تا زندانی نشود. در بلژیک، یک سازمان یهودی به خود اجازه داد تا در مارس ۲۰۰۷، از یک سناتور بلژیکی به‌خاطر آنکه در یک مصاحبه وجود اردوگاه‌های مرگ در آلمان نازی را انکار کرده بود، شکایت کند.

در فرانسه، وینسنت رینوگارد به یک سال زندان و ۱۰ هزار یورو جریمه محکوم شد چرا که در سال ۲۰۰۵ با چاپ جزوه‌ای، هولوکاست را انکار کرده بود. اینها تنها برخی نمونه‌ها از مجازات افراد به‌خاطر انکار هولوکاست است و قطعا نمونه‌های بیشتری را می‌توان ذکر کرد و در ضمن باید انتظار داشت که در آینده نمونه‌های بیشتری نیز ایجاد شود. بنابر همان روش‌های پوزیتیویستی که متافیزیک را از محتویات علمی خالی می‌داند و توجیه‌گر حذف دین از زندگی اجتماعی بشر هستند، هولوکاست یک پدیده تاریخی متعلق به گذشته‌ای نه‌چندان دور است که می‌توان در خصوص آن به تحقیق علمی پرداخت. اگر توصیه پوزیتیویسم به علم ندانستن دین و متافیزیک مورد اعتنا واقع شده است، مشخص نیست که چرا هولوکاست به یک تابوی غیرقابل تحقیق بدل شده است؟

علاوه بر این کشورها، رژیم صهیونیستی نیز در قلمرو خود زیر سوال بردن هولوکاست را جرم دانسته است. علاوه بر این، قوانین اتحادیه اروپا در خصوص مقابله با نژادپرستی و بیگانه‌هراسی نیز دلالت بر آن دارند که رد کردن و یا بی‌اهمیت دانستن تعمدی جنایات مربوط به نسل‌کشی در تمام کشورهای عضو این اتحادیه باید به عنوان اقدامی قابل مجازات در تمام کشورهای اعضای اتحادیه اروپا شناخته شود. بنابراین، آن دسته از ۲۷ کشور اتحادیه اروپا هم که در فهرست ۱۶ کشور فوق نیستند، طبعاً بر اساس این قانون موظف به برخورد با کسانی هستند که هولوکاست را زیر سوال می‌برند چرا که در اروپا و بنابر تبلیغات انجام شده، هولوکاست یک نسل‌کشی شناخته می‌شود که طی آن ۶ میلیون یهودی جان خود را از دست داده‌اند.

در مجارستان، در فوریه ۲۰۱۰ قانونی به تصویب رسید که بی‌اهمیت شمردن هولوکاست را جرمی مشمول ۳ سال زندان دانست.

توجه به متن قانون در برخی از کشورهایی که انکار هولوکاست را ممنوع ساخته‌اند، خالی از لطف نیست. در اتریش، بند سوم قانون منع انکار هولوکاست که موسوم به «وربوتزگستز» است، تصریح می‌کند: هر فردی که به صورت مکتوب یا در رسانه‌های صوتی و تصویری یا به هر وسیله دیگر در ملاءعام و با هر رفتاری که تعداد زیادی از مردم شاهد آن هستند، نسل‌کشی ناسیونال سوسیالیست‌ها [نازی‌ها] را انکار کند یا به دنبال کوچک‌نمایی آن باشد یا سعی در توجیه آن داشته باشد، مستحق مجازات است.

جالب اینجاست که در اتریش برای انکار هولوکاست یک تا ۱۰ سال مجازات در نظر گرفته شده است و اگر اقدامات مزبور خطرناک ارزیابی شود، این مجازات می‌تواند تا ۲۰ سال هم افزایش پیدا کند! در بلژیک نیز بند اول قانون ۲۳ مارس ۱۹۹۵ تصریح دارد که انکار کنندگان هولوکاست از ۸ روز تا یک سال به زندان محکوم شده و به پرداخت ۵ هزار فرانک جریمه محکوم می‌شوند.

در جمهوری چک، بند ۲۶۱ا قانون اساسی اصلاح شده این کشور آمده است که هر کس آشکارا نسل‌کشی نازی‌ها و کمونیست‌ها را انکار کرده و یا در آنها تردید کند و یا آنها را تایید و توجیه کند، از ۶ ماه تا سه سال به زندان محکوم می‌شود.

قانون منع انکار هولوکاست تقریباً با همین ادبیات و با مجازات‌های مختلف در کشورهای دیگر نیز بیان شده است.

از سوی دیگر منع انکار هولوکاست با برخی محدودیت‌های قانون‌گذاری هم در اروپا مواجه بوده است. به‌طور مثال، در اکتبر ۲۰۰۷، دادگاهی در اسپانیا اعلام کرد که قانون اساسی این کشور نمی‌تواند

در شرایطی که شخصی چون سام باسیل به راحتی می‌تواند پیامبر اسلام (ص) را مورد اهانت قرار دهد، در بسیاری از کشورهای اروپایی حتی تردید در تعداد کشته‌های یهودیان در جنگ دوم جهانی می‌تواند مجازات‌های جدی به دنبال داشته باشد.

به گزارش فارس، در شرایطی که در غرب، اهانت به اسلام و مقدسات اسلامی، به راحتی پذیرفته می‌شود، برخی مضامین وجود دارند که هرگونه تردید در آنها هم ممکن است منجر به سال‌ها مجازات زندان شود.

بنابراین گزارش، در شرایطی که شخصی چون سام باسیل به راحتی می‌تواند اسلام را مورد اهانت قرار دهد، در بسیاری از کشورهای غربی حتی تردید در تعداد کشته‌های یهودیان در جنگ دوم جهانی می‌تواند در دسرهای جدی داشته باشد. حتی مورخین غربی در محیط‌های آکادمیک هم باید مواظب آن باشند که با نگارش مطلبی در خصوص هولوکاست، برای خود سال‌ها دردسر نتراشند.

حتی اگر منع قانونی برای انکار هولوکاست هم وجود نداشته باشد، رسانه‌های صهیونیستی در غرب دارای حدی از قدرت تأثیرگذاری بر افکار عمومی هستند که می‌تواند اشخاص مخالف هولوکاست را به شدت سیاه‌نمایی کنند.

این در حالی است که پس از انقلاب فرانسه، سکولاریسم به یکی از ارکان دموکراسی‌های غربی بدل شد و قرار شد تا ممنوعیت‌های مذهبی و تقدس در امور حکومتی و قانونی تأثیری نداشته باشند اما هولوکاست اکنون در کشورهای غربی به یک امر مقدس یا تابو بدل شده است که انکار آن به مثابه یک جنایت است.

به این ترتیب، اگرچه با سکولاریسم، مذهب از متن جوامع غربی رخت بریست اما تابوهای بشرساخته کاری را با جوامع غربی کرده‌اند که کلیسای قرون وسطی هم نکرد. محاکمه مرحوم پروفیسور روزه گارودی به جرم زیر سوال بردن هولوکاست در کتاب مشهورش، بی‌شباهت به محاکمه گالیله در دوران قرون وسطی به جرم متحرک دانستن زمین نیست! طبعاً همان‌گونه که چرخیدن زمین با محاکمه گالیله در دادگاه انگیزاسیون متوقف نشد، سوالات و تشکیکات وارد به پدیده‌ای به نام هولوکاست هم با محاکمه منکرین آن از بین نخواهد رفت.

در حال حاضر در ۱۶ کشور جهان، زیر سوال بردن هولوکاست از نظر قانونی ممنوع است. این کشورها عبارتند از: اتریش، بلژیک، کانادا، جمهوری چک، فرانسه، آلمان، مجارستان، لیختن‌اشتاین، لیتوانی، لوگزامبورگ، هلند، لهستان، پرتغال، رومانی، اسلواکی و سوئیس.

## آیت‌الله حسینی بوشهری: روحانیت در برخورد با مفاسد اخلاقی همراه نیروی انتظامی است

مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور بیان کرد: ابعاد عبادی در کنار کار پلیس بسیار مهم است و خوشبختانه در سال‌های اخیر تجهیزات بسیار خوبی در اختیار نیروی انتظامی قرار گرفته است.

آیت‌الله حسینی بوشهری ادامه داد: برخی مسئولان سازمان‌های بین‌المللی رسماً اعلام کرده‌اند که باید با ایران در مبارزه با مواد مخدر همکاری کنند و همگان به نقش بی‌بدیل نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی برای نجات بشریت از مواد مخدر آگاه هستند و از این رو خدمت این نیرو بین‌المللی است.

وی بیان کرد: همکاری نهادهای قانونی کشور با اهداف نیروی انتظامی بسیار مهم است و مجلس، قوه مقننه و قوه قضاییه باید همراهی مناسبی برای پیش برد اهداف نیروی انتظامی داشته باشند. آیت‌الله حسینی بوشهری بیان کرد: نگاه عاطفی مردم باید با نیروی انتظامی همراه باشد و نهایت تلاش نیروی انتظامی باید این باشد که همیشه مردم را در کنار خود احساس کنند. وی ادامه داد: فعالیت‌های نیروی انتظامی نیازمند عقبه و پشتیبانی فکری است و اگر آسیب‌ها شناخته شود برنامه ریزان نظام می‌توانند از آمار

آیت‌الله حسینی بوشهری، مدیر حوزه‌های علمیه کشور در دیدار سردار سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی با وی گفت: مردم باید در جریان تلاش‌های این نیرو در هفته نیروی انتظامی قرار بگیرند و آشنایی آنان با فعالیت‌های این نیرو مایه خوشحالی خواهد شد.

وی ابراز کرد: تلاش‌های نیروی انتظامی از بدو آغاز به کار این نیرو ستودنی است و اگر به آمار شهدای پلیس توجه کنیم درجه خلوص و فداکاری آنان در سخت‌ترین شرایط زمانی و مکانی مشخص شده و نشان‌دهنده اوج ایثار این قشر زحمتکش در دفاع از مرزهای کشور و انقلاب اسلامی است.

عضو مجلس خبرگان رهبری تأکید کرد: تلاش‌های نیروی انتظامی منحصر به مرزها نیست و در درون شهرها حافظ امنیت مردم است که این مسئولیت سنگین نیروی انتظامی کار بسیار بزرگی است.

عضو شورای عالی حوزه افزود: مردم قادران خدمات نیروی انتظامی هستند و از حضور به موقع نیروهای انتظامی در مواقع حساس احساس امنیت کرده و این امر باعث رضایت خدا خواهد بود.

## شیخ النمر:

## شیعه و سنی در یک سنگرند

حجت الاسلام تیسیر النمر گفت: این موجب ننگ حکومت های اسلامی است که رو در روی اراده ملت های خود که اهانت به پیامبر(ص) را محکوم میکنند بایستند. ننگ بزرگ تر در این است که اجازه نمیدهند مردم نظر و خشم قانونی خود را ابراز کنند و با کشتار و بازداشت مردم، شیطان آمریکا را راضی میکنند.

وی گفت: شهدا و مجروحان و بازداشت شدگان و افراد تحت تعقیب امانتی بر دوش آزادگان هستند که باید در محفلی به خصوص در مناسبت های دینی از آنها یاد کنند. تیسیر النمر درباره ادامه یافتن بازداشت شیخ النمر و شیخ العامر و تمامی بازداشت شدگان تاکید کرد: جامعه نمیپذیرد که سرنوشت این افراد نامعلوم باشد همین طور که سیاست های دادگاه های موهوم را که زیر نظر وزارت کشور هستند قبول ندارد. وی در پاسخ به افرادی که شیعه را اقلیت میخوانند گفت: کشور ما مجموعه ای از همین اقلیت ها است و اگر ما اقلیت باشیم این دلیل نمیشود که کسی به خود اجازه دهد حقوق ما را پایمال کند. برخی میخواهند شیعه را به عنوان دشمن اهل سنت معرفی کنند در حالیکه اینگونه نیست و چنین افرادی میخواهند با ایجاد فتنه طایفی، دیگران را به هیزم های این آتش تبدیل کنند.

روحانی شیعی عربستان این اقدام را جنایتی برای منحرف کردن توجه شیعه و سنی از حقوق سلب شده خود دانست و ابراز داشت: شیعه و سنی در یک سنگر هستند و هر دو طایفه در این کشور مظلوم هستند و حقوق آنها پایمال میشود.

وی درباره وضعیت برادرش شیخ نمر باقر النمر گفت: ما در مورد سلامتی شیخ النمر و سرنوشت ایشان بسیار نگران هستیم. نیروهای امنیتی ایشان را به زندان الحائر منتقل کرده اند در صورتی که ایشان هنوز درمان نشده بود. در دیدار اخیری که با ایشان داشتیم، ایشان بسیار رنجور بود و حال عمومی ایشان از دیدار اول و دوم بدتر شده بود. مسؤولان پس از دو ماه از اصابت گلوله، هنوز پای ایشان را مورد عمل جراحی قرار نداده اند و این موجب نگرانی شدید ما شده است.

## گفتمان وحدت اسلامی در کلام و سیره امام علی(ع)

اسلام و تدبیر در حفظ منافع جامعه اسلامی و وحدت امت اسلامی در راستای اهداف شارع مقدس؛ وظیفه ای سنگین است و ثابت نماید؛ کسی که عاشق وحدت امت است نمی تواند تفرقه را ببیند و کسی که خواهان عزت اسلام و مسلمین است نمی تواند ذلت و خواری آنان را بر اثر تفرقه و پراکندگی ناظر باشد و کسی که برای اسلام جانفشانی می نماید، نمی تواند نابودی اسلام را مشاهده کند و این همان چیزی است که از آن به عنوان مصلحت یاد می شود. مصلحت یعنی اتخاذ تدبیر به منظور رعایت منافع مادی و معنوی جامعه اسلامی و در راستای اهداف دین.

اگر مسلمانات همواره مصالح و منافع جامعه اسلامی را در نظر داشته باشند، در می یابند که حفظ وحدت از ضروریاتی است که هم عقل و هم دین بر آن حکم می کند. امام علی(ع) خدای واحد و پیامبر واحد و کتاب واحد را عامل وحدت امت اسلامی می دانست و از وحدت امت اسلام به عنوان نعمت والای الهی و گران قدرتر از هر ارزش و کرامتی یاد می کرد و با در نظر گرفتن مصلحت امت اسلام و حفظ وحدت و همدلی؛ اسلام را از خطر نابودی و فرو پاشی امت اسلامی بعد از رحلت پیامبر نجات داد. برهان و استدلال امام علی(ع) آنست که اگر امتی همه یک خدای را می پرستند و همه از یک پیامبر پیروی و اطاعت می کنند و از یک کتاب فرامی گیرند و دستور می گیرند؛ پس چگونه می توانند با هم اختلاف داشته باشند. حقیقتاً مسلمانات با داشتن مشترکاتی این چنین بنیادین و نیز الفت و اخوت ایمان باید برای پیشرفت و اهداف اسلام و سعادت مسلمانات حرکت کنند و از تفرقه و جدایی که باعث سستی و شکست و زبونی و ذلت و عقب ماندگی است، خوداری نمایند.

آری، امروز بر ماست که با بهره گیری از کلام خدا، سنت رسول خدا(ص) و نیز از سخنان و سیره امام علی(ع) و دیگر اولیاء خدا به وحدت امت اسلامی بیش از پیش اهتمام ورزیم و با روشن گری های به موقع، مسلمانات را از تفرقه و جدایی و یا درگیری و ناساز گاری ها بر حذر داریم و راه و رسم زندگی در پرتو وحدت و پرستش خدای واحد و پیروی از دین مقدس اسلام را به آنان بیاموزیم. امروز مشاهده می کنیم که دشمنان اسلام چگونه به مقدسات اسلامی و به ساحت مقدس نبوی(ص) و به ساحت قرآن کریم اهانت می کنند. اگر امت اسلامی دوشادوش یکدیگر حرکت کند و با هم همدل و هم جهت باشند بی شک نقشه های شیطانی دشمنان نقش بر آب خواهد شد.

استواری و تحکیم پایه های امت واحده اسلامی و رستگاری مسلمانات، تاکید کرده است.

امام علی(ع) در تشریح شخصیت پیامبر اکرم(ص) می فرماید: دلهای نیکوکاران شیفته او گشت و خداوند به وسیله او کینه های دیرینه را دفن کرد و شعله های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود و مردم را با هم برادر ساخت و ذلتها را به عزت و عزت را به ذلت تبدیل کرد. هنگام بعثت رسول اکرم(ص) مردم دارای ادیان گوناگون و گرایشهای پریشان و دسته های متفرق بودند و خداوند به برکت پیامبر آنها را از اختلاف و ضلالت رهانید و نجات بخشید. ولی سرانجام روزی فرارسید که پیامبر اکرم(ص) همانند دیگر انسانها زندگیش پایان یافت و امت اسلامی را به بزرگترین مصیبت، که قطع وحی و ارتباط آسمان و زمین بود، مبتلا ساخت و مشکلات بزرگی برای جهان اسلام رخ نمود که مهمترین آنها: برافراشته شدن پرچم ارتداد و بازگشت به شرک و بت پرستی از سوی گروهی از مسلمانات که در سالهای آخرین عمر پیامبر، اسلام آورده بودند و ادعای دروغین افرادی به نبوت و پیامبری و یورش رومیان به مسلمانات برای از میان برداشتن آنان و از همه مهمتر تفرقه وجدایی مسلمانات در مساله جانشینی پیامبر(ص) بود.

پس از رحلت پیامبر، امام علی(ع) علیرغم اینکه خود را از همه برای جانشینی پیامبر(ص) شایسته تر می دانست ولی مصلحت را در آن دید که با بیعت خود اسلام و وحدت امت را حفظ کند و از اختلاف جلوگیری نماید. امام علی(ع) در عین آن که با دیگران اختلاف اعتقادی داشت و به کارهای آنان اعتراض می کرد ولی چون به مساله وحدت مسلمانات به عنوان رکنی اساسی و تحکیم پایه های آن اهمیت فراوان می داد، حق مسلم خویش را قربانی حفظ وحدت اسلام و مسلمانات نمود. چنانکه در پاسخ نامه ابو موسی اشعری نگاشته است: در امت اسلام هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد(ص) و انس گرفتن آنان با یکدیگر از من دلسوزتر باشد. من در این کار پادش نیک و سر انجام شایسته را از خدا می طلبم.

امام علی(ع) با تدبیر الهی خود در جهت فرو نشاندن آتش فتنه و شکستن موج اختلاف و تفرقه و در جهت حفظ و نگهداری اسلام مصلحت را در آن دید که از حق خویش درگذرد و بر مشکلات که بسیار سخت و جانکاه بود تحمل و صبر نماید و از این طریق به همه مسلمانات بیاموزد که مصلحت بزرگ حفظ

متن زیر به قلم حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین معزی که در ششمین کنفرانس بین المللی تقریب میان مذاهب اسلامی، با عنوان گفتمان وحدت اسلامی در کلام و سیره امام علی(ع) قرائت شد.

بسم الله الرحمن الرحيم  
اسلام، پیش از آن که یک دین فردی باشد، یک دین جاودانه و جهان شمول و پایان بخش همه ادیان و دینی آیینی برای همه انسانها از هر نژاد و هر زبان و هر منطقه است و پیش از آن که به ابعاد نیکبختی فردی انسانها توجه کند به سعادت اجتماعی انسانها و به ویژه مسلمانات و ترقی و تعالی آنان نگریده است. جهاد و کوشش جانکاه و همه جانبه پیامبر اکرم(ص) برای تبدیل جامعه جاهلی که از قبیله ها و جمعیت های متفرق و پراکنده شکل گرفته بود و کارشان جنگ و غارت بود؛ به جامعه اسلامی در محیط شبه جزیره عربی و در مدت کوتاه ۲۳ ساله از هر نظر در تاریخ بشریت بی مانند است و همواره کسانی را که به مطالعه و بررسی تاریخ اسلام می پردازند، شگفت زده و متحیر خواهد ساخت و تنها با اعتقاد به معجزه الهی است که می توان این حرکت اجتماعی را پذیرفت.

پیامبر اکرم(ص) در پرتو اعتقاد و پرستش خدای واحد؛ جامعه ای با هویت و ویژگی امت واحده ساخت و در این مدت کوتاه، توانست توحید را به جای شرک، نبوت و رهبری را به جای رئیس قبیله، عقیده به معاد را به جای عقیده به آینده پوچ، ارزشهای اسلامی را به جای ارزش های جاهلی، فضایل اخلاقی را به جای رذایل اخلاقی و حکومت جهانی را به جای حکومت قبیله ای، منافع اسلامی و انسانی را به جای منافع قبیله ای و مسایقه در شرارت را به مسایقه در خیرات و نیکی تبدیل نماید و آنان را از افراط و تفریط در امور بر حذر دارد و به میانه روی وادارد تا برای همه انسانها الگو و نمونه باشند. از این رو یکی از مهمترین ویژگی مقطع تاریخ صدر اسلام، مساله وحدت اسلامی، در پرتو اعتقاد به خدای واحد و قیله واحد و کتاب واحد و شناساندن مسلمانات با هویت امت واحده به جهانیان است.

آیین اسلام با وضع قوانین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزه های اعتقادی و اخلاقی؛ جامعه اسلام را به اتحاد و همدلی در راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی و در جهت بر پایی یک تمدن جهانی رهنمون ساخت. قرآن، مسلمانات را به وحدت سفارش کرده و اختلاف و تفرقه را مایه زایل شدن قدرت و تباهی و یک حرکت پنهان از دوگانگی و شرک و مشکلات عظیم دانسته و بر

## جایگاه وحدت و یکپارچگی در سیاستگذاری های امام رضا(ع)

مثبتی در جامعه آن روز پیدا کرده و این یک فصل کمتر شناخته شده در زندگانی امام رضا(ع) است که با تدبیر و اصولی که داشتند به یکپارچه سازی جامعه دست زدند، بنابراین به ویژه در شرایطی که جهان اسلام در آستانه یک کشمکش قرار گرفته و ممکن است دچار آسیب شود این فصل در زندگانی ایشان نیازمند یک مطالعه جدی است.

وی با بیان این که یکپارچگی مسلمانات و جامعه اسلامی از قابلیت های امامت است گفت: هر چند برای آنهایی که امامت امام رضا(ع) را قبول نداشتند این کارکرد امامت یک کارکرد یکپارچه ساز است که به ما درس می دهد، شیعه باید به سمت یکپارچگی برود حتی اگر سود آن دارای خاستگاه تقویت کننده مذهب به معنای خاص آن نباشد زیرا که تقویت کننده اسلام است.

رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس در پایان گفت: این مساله از سوی امام رضا(ع) به عنوان یک اصل شناخته شده و بعد اجتماعی ایشان در یک جامعه یکپارچه معنا پیدا کرده است که ما نمی توانیم آن حضرت را از یکپارچگی جامعه آن روز جدا کنیم. یعنی هر کس به جامعه آن روز بر گردد و آن را تحلیل کند می بیند در فضای یکپارچه جامعه اسلامی امام رضا(ع) رعایت اصول و خطوط قرمز جامعه از سوی اسلام مطرح است.

قرائت های کافی و کاملی از ائمه(ع) نداریم و در سیره شناسی بر جوانب فردی معطوف می شویم و از جوانب اجتماعی که باری از نگاه های دقیق اجتماعی اسلام را برمی تاباند، غافل شده ایم عجیب است که بدانیم سیره امام رضا(ع) پیگیر و حافظ وحدت اجتماعی اسلام آن روز، بوده است.

مبلغی با اشاره به این که هر چند امام رضا(ع) امام شیعه است اما جمع کردن بین امامت برای شیعه با وحدت اجتماعی اسلام نقطه روشن و تاسی پذیر برای همه است گفت: اینکه امام رضا(ع) وحدت و یکپارچگی جامعه را در سیاستگذاری و خط و مشی کشیدن ها و راهبردهای خود حفظ می کند و میلی متری از وحدت اجتماعی عبور نمی کند نه تنها ضربه ای به یکپارچگی مسلمانات آن روز وارد نمی کند بلکه وحدت اجتماعی را در یک مرحله برجسته و شفافی وارد می کند، به طوری که انصار و اتباع ایشان صرفاً شیعه نبودند بلکه در میان کسانی که عشق می ورزیدند و سعی بر ارتباط داشتند و احادیث ایشان را می شنیدند جامعه اهل سنت بودند.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی خاطر نشان کرد: به این دلیل این نگاه و رفتار یک انعکاس بسیار



شفاف و روشن لحاظ شده است، افزود: برخورد با جامعه و نهادهای اجتماعی، سنن، قواعد و قوانین حاکم بر جامعه و چگونگی رفتار با آن ها که نه تنها منجر به تخریب فرصت های جامعه نشود بلکه بتواند بیشترین فرصت را برای جامعه ایجاد کند و یک حرکت پویا، موثر و سازنده در جامعه باشد در رفتار، نگاه و سیره امامان مدنظر قرار گرفته است.

رییس مرکز تحقیقات اسلامی مجلس ادامه داد: امام رضا(ع) به دلیل بودن در صحنه های سیاسی، اجتماعی و پیچیدگی های عصر خلافت عباسی که ایران و جهان عرب آن زمان را به نحوی در ارتباط با هم قرار می داد و مفاهیم و نهادهای سیاسی و اجتماعی ایجاد می کرد، در کانونی ترین محل اتفاق مناسبات اجتماعی و سیاسی زندگی می کردند.

رییس پژوهشگاه مطالعات تقریبی تصریح کرد: یکی از اصولی که به خوبی در سیره امام رضا(ع) منعکس شده که می توان آن را با شفافیت هر چه تمام در سیره ایشان باز یافت و تحول فکری را در اثر ایجاد التفاط به این اصل در جامعه از حیث اجتماعی برانگیخت، حفظ وحدت اجتماعی جامعه از سوی آن حضرت است.

این استاد حوزه یادآور شد: برای ما که گاهی

## برگزاری کنفرانس "تقریب میان"

## مذاهب اسلامی "در انگلیس"



ششمین کنفرانس بین‌المللی "تقریب میان مذاهب اسلامی" با حضور آیت الله اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در مرکز اسلامی انگلیس برگزار شد.

این کنفرانس یکروزه با عنوان "نقش فرهنگی تقریب در رسیدن به همزیستی اجتماعی"، با حضور شخصیت‌ها و اندیشمندان برجسته مسلمان از کشورهای مختلف مصر، انگلیس، لبنان، الجزایر، عراق، مغرب، فرانسه، پاکستان، هند، یمن، استرالیا، ایران، عربستان سعودی و بحرین برگزار شد.

حجت الاسلام و المسلمین عبدالحسین معزی "نماینده مقام معظم رهبری در بریتانیا و رییس مرکز اسلامی انگلیس طی سخنانی در مراسم افتتاحیه آن، به دستاوردهای پنج کنفرانس گذشته تقریب بین مذاهب اسلامی اشاره کرد و نشست اندیشمندان و متفکران جهان اسلام را فرصت مغتنمی برای تقارب افکار و رایزنی در خصوص مسائل و مشکلات جهان اسلام دانست.

وی با اشاره به اینکه وحدت اسلامی آرمانی بلند مرتبه و برخاسته از قرآن کریم است که ریشه در فطرت انسانی دارد و تقریب مذاهب بستری طبیعی و عقلایی برای ایجاد وحدت در جهان اسلام است، گفت: برگزاری هر ساله کنفرانس در زمینه تقریب بین مذاهب بویژه در عصر حاضر که مساله بیداری اسلامی جهانی نیز مطرح است، از اهداف مرکز اسلامی انگلیس بشمار می‌رود و این وظیفه ای اسلامی است که بر عهده همه اندیشمندان اسلامی می‌باشد و هر کس به اندازه توان خود باید در راه تحقق این آرمان ارزشمند تلاش و کوشش نماید. چرا که تقریب مذاهب و در نهایت دستیابی به وحدت اسلامی به معنای واقعی کلمه مهمترین و اساسی ترین عامل برای تحقق عزت، کرامت و سعادت مادی و معنوی مسلمانان است و هرگز نمی‌توان سعادت اسلامی را در مدار تفرقه و جدایی مسلمانان از یکدیگر جستجو نمود.

رییس مرکز اسلامی انگلیس هدف برگزاری اینگونه کنفرانس‌ها را شناخت بیشتر مذاهب اسلامی از همدیگر بمنظور همدلی و همفکری و ساختن آینده ای روشن برای امت اسلامی برشمرد و اضافه کرد: امروز ما بر اساس مسئولیت سنگین اسلامی خویش و به پیروی از مصلحان خیر اندیش در این همایش گرد هم آمده‌ایم و بر این باوریم که اندیشمندان جهان اسلام می‌توانند با استفاده بهینه از چنین فرصت‌ها و با گفتگو، مسیر جامعه اسلامی را به هدف غایی خود یعنی تشکیل امت واحد اسلامی نزدیک سازند.

گفتنی است طی سالیان گذشته تا کنون پنج کنفرانس بین‌المللی با عناوین: "تقریب بین مذاهب اسلامی ضرورتی برای مسلمین در عصر حاضر"، "تقریب، راهکار دفاع از قرآن کریم و پیامبر خاتم حضرت محمد (ص)", "تقریب میان مذاهب اسلامی؛ راهی به سوی تکریم انسان و تقویت اتحاد اسلامی"، "نقش تقریب در تعالی امت اسلامی و ساختن آینده آن" و "بیداری جهانی اسلامی و طرح تقریب میان مذاهب اسلامی" در مرکز اسلامی انگلیس برگزار شده است.

## شیعیان و سنیان افغانستان، الگوی عملی وحدت اسلامی و تقریب مذاهب

هر دو مذهب و تحکیم پیوند برادری میان آن‌ها است.

پس از پخش کتاب‌هایی بر ضد اهل تشیع در مراسم حج امسال در عربستان سعودی، عبدالسلام ضعیف سفیر سابق حکومت طالبان در اسلام آباد ضمن محکوم نمودن پخش این کتاب‌ها می‌گوید که سازمان‌های افراطی که در عربستان سعودی فعالیت دارند، در صدد ایجاد تفرقه بین تشیع و تسنن هستند. ضعیف با بیان این مطلب که اختلاف نظر مذاهب از همان اوایل وجود داشته می‌گوید: اختلاف در تمام زمینه‌های اجتماعی، سیاسی و دینی محسوس است اما در مسائل دینی اختلاف بین تشیع و تسنن به حدی نیست که این دو مذهب یکدیگر را تکفیر کنند. عبدالسلام ضعیف، روحیه مذاهب شیعه و سنی را مانند دو برادر توصیف کرده و گفت: دشمنان اسلام می‌کوشند تا بین دو مذهب برادر دوری ایجاد کنند و مسلمانان افغانستان یکی از اهداف آن‌هاست. وی مطالب درج شده در این نوع کتاب‌ها را محکوم نموده و تصریح کرد: علمای کرام با درایت علمی و دینی می‌توانند اذهان عامه را در قبال همچون کتاب‌ها روشن سازند.

در همین حال آیت الله محسنی بنیان‌گذار حوزه علمیه خاتم النبیین در کابل هدف انتشار و پخش کتاب‌ها بر ضد اهل تشیع را تحمیل نظریات یک قشر محدود افراطی بر همه مسلمانان خواند. آیت الله محسنی مطالب این کتاب‌ها را کفر آمیز و کذب دانست و از مقام‌های بلند پایه دولتی افغانستان خواست تا با احضار سفیر کشور سعودی در زمینه جلوگیری از انتشار و پخش آن‌ها تذکر دهند. بنیان‌گذار حوزه علمیه خاتم النبیین سیاست بعضی از سازمان‌های افراطی را که از مطالب کفر آمیز حمایت می‌کنند ایجاد دو دسته گی و دشمنی بین تسنن و تشیع دانست. آیت الله محسنی خاطر نشان ساخت که همه ساله برای حجاج از سوی افراطیون عربستان کتاب‌های تفرقه آمیز چاپ و پخش می‌شوند اما به لطف باورهای محکم پیروان تشیع و تسنن در افغانستان آن‌ها نمی‌توانند به اهداف شوم شان برسند.

منبع: پایگاه تخصصی شیعیان افغانستان



ملت مسلمان افغانستان است، شرکت در محافل مذهبی همدیگر، عزاداری‌های ماه محرم، تجلیل از عاشورای حسینی به صورت مشترک، ایجاد شورای اخوت اسلامی، تدوین برنامه‌های مشترک در رسانه‌های کشور، و تصویب قوانین و لوایح در دستگاه‌های دولتی و قانونگذاری کشور به نفع هر دو مذهب و پرهیز از عکس‌العمل‌ها و حساسیت‌های منفی علیه همدیگر و... از نمونه‌های بسیار برجسته برای وحدت و همسویی میان پیروان این دو مذهب بزرگ اسلامی در کشور افغانستان است به نحوی که تحسین دلسوزان نسبت به اسلام و نیز حسادت بدخواهان را برانگیخته است.

اما حفظ این دستاورد ارزشمند و تاریخی نیاز به هوشیاری و بیداری علماء، نویسندگان، روشنفکران و پیروان این دو مذهب و نیز بستگی به درایت مسئولان کشور دارد که زمینه‌های اختلاف را کاملاً از بین برده و فرصت ظهور و بروز مسایل اختلاف انگیز را از دشمنان این ملت بگیرند، زیرا دست‌هایی در کارند تا این وحدت و همدلی میان این دو مذهب را در افغانستان خدشه دار سازند. تبلیغات سوء و تفرقه افکنانه و هابیون متعصب در کشورهای عراق، پاکستان و عربستان و... نمونه‌هایی از این قبیل است مخصوصاً تبلیغات و سمپاشی‌های افراطیون مذهبی در عربستان در موسم اعمال و مناسک حج و توزیع کتاب‌های با محتوای ضد شیعی و توهین و تحقیر حجاج شیعی باعث خشم و ناراحتی امت اسلامی گشته و موجب نگرانی از پیامدهای منفی و گسترش آن در میان ملت‌های مسلمان منطقه شده و واکنش علماء و دانشمندان شیعه و سنی و محکومیت آن در کشور ما افغانستان در پیداشته است، که البته این واکنش‌ها الحمدلله خود نشانه از بیداری پیروان

## دبیرکل مجمع تقریب:

## رسول خدا (ص)؛ نمادی که هویت امت اسلامی در او متبلور شده است

اظهار داشت: قرآن کریم بر تفاوت جوهری امت‌های مختلف بشری و اختلاف هویت آنان تأکید کرده و شاخص جوهر هر امت را در رهبریتی می‌داند که آن امت او را به پیشوایی پذیرفته و تبلور ارزشها و آمال خود می‌داند.

وی افزود: امت اسلامی که به حق می‌توان آن را "امت محمدی" نامید، دارای هویتی اعتقادی و تمدنی و ارزشی است که عصاره وجودی اوست و در شخصیت پیشوای بزرگش حضرت محمد (ص) خلاصه شده است.

آیت الله اراکی در ادامه بیان داشت: رسول خدا (ص) نماد و نمونه ای است که هویت امت اسلامی

یکی از حوادث دردناک در طول تاریخ اسلام، اختلاف و تفرقه میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی، تکفیر و توهین پیروان آن‌ها از سوی یکدیگر بوده است که صدمات جبران ناپذیری را بر پیکر امت اسلامی وارد ساخته و در مقاطعی از تاریخ، حوادث غمباری را رقم زده است. وجود علمای متعصب در میان پیروان مذاهب که با تعصب کورکورانه و جاهلانه مردم را به خشونت‌های مذهبی تشویق و ترغیب می‌نموده و هر از گاهی آتش نفاق را در گوشه‌ای از کشور‌های اسلامی روشن می‌ساخته‌اند که بسا حاکمان ستم‌پیشه از این اختلافات مذهبی بیشترین بهره‌برداری‌های سیاسی را می‌کرده‌اند، که تاریخ کشور افغانستان شاهد نمونه‌ای از این ادعاست.

از سوی دیگر در گذشته و حال علماء و دانشمندانی بوده‌اند که با آگاهی کامل از شرایط و زمان، دلسوزانه برای تقریب میان اندیشه‌های مذاهب اسلامی و نزدیکی هرچه بیشتر میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی گام‌های مؤثری را برداشته‌اند، کسانی مانند سید جمال الدین افغانی، شیخ محمود شلتوت در الازهر مصر، آیت الله بروجردی در ایران و... امروز نیز نمونه‌هایی از این کوشش‌ها در گوشه گوشه از کشورهای اسلامی به چشم می‌خورد ولی متأسفانه در خیلی از کشورها هنوز تقریب مذاهب، فقط در حد یک شعار باقی مانده است و بس.

اما در کشور افغانستان، یکی از دستاوردهای بسیار مهم مردم بعد از سقوط طالبان، کاهش حساسیت‌های مذهبی در این کشور میان پیروان دو مذهب تشیع و تسنن و همزیستی مسالمت‌آمیز میان آن‌ها در کنار یکدیگر بوده است به گونه‌ای که از این نظر بدون تردید، امروز افغانستان در میان تمام کشورهای اسلامی الگو و نمونه‌ای برای وحدت و همدلی بوده و هست.

خوشبختانه پیروان هر دو مذهب، عملاً به سوی تقریب مذاهب اسلامی گام‌های مؤثر برداشته‌اند، روابط حسنه میان پیروان دو مذهب در میان اقشار مختلف مردم، اعم از علماء، دانشمندان، روشنفکران، سیاستمداران و توده‌های مردم مسلمان، نوید بخش فردای عزت بخش برای وحدت و همدلی بوده و هست.

خوشبختانه پیروان هر دو مذهب، عملاً به سوی تقریب مذاهب اسلامی گام‌های مؤثر برداشته‌اند، روابط حسنه میان پیروان دو مذهب در میان اقشار مختلف مردم، اعم از علماء، دانشمندان، روشنفکران، سیاستمداران و توده‌های مردم مسلمان، نوید بخش فردای عزت بخش برای وحدت و همدلی بوده و هست.

در دیدار دوتن از علمای برجسته شیعه و سنی لبنان بر لزوم وحدت شیعه و سنی و دوری از فتنه تفرقه و اختلافات بین مسلمین تأکید شد.

به گزارش (تنام) شیخ عقیف نابلسی از علمای شیعه لبنان و شیخ "ماهر حمود" امام جمعه‌ی اهل سنت شهر صیدا در لبنان دیدار و پیرامون چالش‌های فراروی جهان اسلام بحث و گفت‌وگو کردند.

شیخ عقیف نابلسی در این دیدار ضمن تأکید بر تعامل بیشتر میان برادران اهل تسنن و شیعه، گفت: تفرقه مذهبی و ایجاد فتنه میان مسلمانان یکی از فاجعه‌آمیزترین کارهای ممکن است که نباید به

## تفرقه بین شیعه و سنی فاجعه‌ای برای مسلمانان

کرد. وی با اشاره به بحران سوریه، تأکید کرد: اصلی‌ترین مشکلات کشور سوریه مداخلات کشورهای خارجی است که با کمک‌های خود به گروه مخالفین و دادن سلاح و مهمات و پول باعث آتش افروزی بیشتر و خونریزی‌های بسیار می‌شود.

این عالم اهل سنت در ادامه گفت: مسائل و بحران‌های سوریه باید با گفت‌وگو میان دو طرف درگیر و به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شود نه با دخالت‌های آشکار و پنهان کشورهای دیگر.

هیچ عنوان اجازه چنین امری داده‌شود. وی افزود: مسأله اصلی میان شیعه و سنی بحث فقهی نیست، بلکه بحث بر سر کشتارهای ظالمانه‌ای است که در حال رخ دادن است.

این عالم شیعه لبنانی در ادامه اظهار داشت: ما باید با حفظ وحدت و ایجاد تعامل بیشتر میان مسلمانان مانع از چنین اعمالی بشویم و نباید اجازه ایجاد فتنه‌های مذهبی و طائفه‌ای را بدهیم که در مقابل دشمنان بتوانیم ایستادگی کنیم.

شیخ ماهر حمود نیز در این دیدار بر لزوم دوری از تفرقه و تمسک به وحدت اسلامی تأکید



## نشریه مرکز بررسی های اسلامی

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: سید هادی خسروشاهی

سر دبیر: سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (صفائیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳ مندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

پست الکترونیکی: Besatonline@gmail.com

## بنی صدر از ظهور تا سقوط

تألیف: فاطمه نظری کهره

ناشر: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

معرفی کتاب: انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر اندیشه‌ی ناب اسلامی و رهبری امام خمینی پس از سال‌ها مبارزه توانست طومار نظام ستمشاهی را برچیده و نظام جمهوری اسلامی را با هدف تحقق بخشیدن به آرمان‌های انقلاب، جایگزین آن نماید. طبیعتاً بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تمام گروه‌ها و افرادی که با رژیم گذشته مبارزه کرده بودند خود را شایسته‌ی رهبری و اداره‌ی امور جامعه می‌دانستند و ایجاد هرگونه محدودیتی از سوی نیروهای اصیل انقلاب، به انحصارطلبی و استبداد تعبیر می‌شد، بنابراین تعیین این صلاحیت برعهده‌ی مردم نهاده شد تا افراد شایسته را انتخاب نمایند. بدین منظور پس از برگزاری انتخابات مختلف، دور از انتظار نبود که تعدادی از گروه‌ها و افرادی که مورد استقبال مردم قرار نگرفتند در حاشیه مشغول توطئه شوند، اما کسانی که مورد اعتماد مردم واقع شده بودند، می‌بایست در راه تحقق اهداف انقلاب اسلامی تلاش کنند.

ابوالحسن بنی صدر از جمله افرادی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توانست به منصب ریاست جمهوری دست یابد. وی که نکات مبهمی به خصوص در روابطش با آمریکایی‌ها در کارنامه‌ی قبل از انقلاب وجود داشت، پس از رسیدن به ریاست جمهوری، با تغییر رفتار نسبت به نیروهای انقلابی، دوره‌ی بحرانی را در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب به وجود آورد که سرانجام نتیجه‌ی آن جزء سقوط و فرار از کشور برایش به دنبال داشت. وی به دلیل حاکمیت روح قدرت طلبی و خودبرتربینی بر تمام وجودش، در تلاش بود کلیه‌ی نهادهای قانونی کشور را زیر نفوذ و تسلط خود درآورد. او پس از ناکامی در این راه به گروهک‌های ضدانقلاب پناه برد تا شاید از این طریق به اهدافش دست یابد، اما این راه نیز موجب فاصله‌ی بیشتر وی از جریان اصیل انقلاب شد. دوران ریاست جمهوری بنی صدر یکی از تجربه‌های مهم و آموزنده‌ی تاریخ انقلاب اسلامی ایران است که عملکرد دست‌پروردگان غرب و تلاش آنها برای انحراف انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد.

## معرفی کتاب «اسلام و هیئت»

کتاب «اسلام و هیئت» نوشته علامه سیده‌الدین شهرستانی با ترجمه و توضیحات استاد خسروشاهی به چاپ دوم رسید. این اثر آرای علامه شهرستانی را دربر دارد، او حدود یک سده قبل دیدگاه‌های اسلامی خود را درباره علم هیئت به شکل موشکافانه‌ای بیان کرد. این کتاب در روزگار خود سرشار از نکات بدیعی درباره علم هیئت بود به همین واسطه شگفتی همگان را برانگیخت و در کشورهای اسلامی به زبان‌های گوناگون ترجمه شد.

در بخشی از معرفی این اثر آمده است: «در قرآن و احادیث، مطالب گوناگونی درباره آسمان، زمین، ستارگان، خورشید، ماه و دیگر مسائل مربوط به «علم هیئت» آمده است. طرح همین موضوعات، باعث شده تا دانشمندان اسلامی درباره این موضوع بیندیشند و تفسیر خود را از آیات و روایات، متناسب با دستاوردهای علمی روز، ارائه کنند.»  
دومین چاپ کتاب اسلام و هیئت را موسسه بوستان کتاب با شمارگان هزار نسخه، در ۵۷۶ صفحه و بهای ۱۲ هزار تومان راهی بازار نشر کرده است.

## معرفی آثار استاد سید غلامرضا سعیدی

## مانیفست یا منشور جهانی اسلام و بحران

## فعلی جهان

نوشته: محمد رفیع الدین

ترجمه: سیدغلامرضا سعیدی

به کوشش و مقدمه: استاد

سیدهادی خسروشاهی

ناشر: کلبه شروق

چاپ اول: ۱۳۹۱

۳۰۴-۶۴۰۰ تومان

اثر حاضر شامل دو کتاب زیر است: کتاب اول «مانیفست یا منشور جهانی اسلام» تألیف دکتر محمد رفیع الدین، رئیس آکادمی اقبال است.

این کتاب پاسخ کوتاه و مختصری به این پرسشها می‌دهد: اسلام چیست؟ و با سایر ادیان چه فرقی دارد؟ اساس مبانی فکری و ذهنی این ادعا چیست؟ هدفها و مقاصد آنها چیست؟ چگونه اسلام می‌تواند این هدفها و مقاصد را مشخص سازد؟

در پیشگفتار این اثر آمده است: «مدرجات این کتاب بیان و توضیحی است از اصول اساسی اسلام که زمینه و طرح اصولی آن به شکل نظریه تاریخی مبتنی بر نظریه طبیعی تشریح می‌شود. طبق این نظریه، اسلام عبارت است از یک ایدئولوژی الزامی و غیرقابل اجتناب برای آینده...»

کتاب دیگر «منشور نهضت اسلام در برابر بحران فعلی جهان» نام دارد. این کتاب تألیف دکتر محمد رفیع الدین و مارگرت مارکوس، بانوی فرهیخته آمریکایی است که پس از مکاتبات زیاد با ابوالاعلی مودودی، به اسلام گروید و مسلمان شد و حتی برای اقامت در «دارالاسلام» از آمریکا به پاکستان هجرت نمود و در «لاهور» مرکز اصلی جماعت اسلامی - سکنی گزید.

این کتاب مشتمل بر عناوین زیر است: بشر و اندیشه‌های گونه‌گون، اساس نهضت اسلامی، اظهارنظرها درباره کتابهای مریم جمیله (مارگرت

مارکوس)، نگاهی به گذشته ۱۴۰۰ سال قرآن مجید، قدیمی‌ترین قانون مکتوب و اولین سند سیاسی جهان، پیامبر خدا(ص).

## جنگ و صلح در قانون اسلام به ضمیمه

## رسول اکرم(ص) در میدان جنگ

نوشته: مجید خدوری،

حمیدالله حیدرآبادی

ترجمه: سیدغلامرضا سعیدی

به کوشش و مقدمه: استاد

سیدهادی خسروشاهی

ناشر: کلبه شروق

چاپ اول: ۱۳۹۱

۵۲۸ص-۱۱۰۰۰ تومان

اثر حاضر شامل دو کتاب زیر می‌باشد: «جنگ و صلح در قانون اسلام» تألیف دانشمند مسیحی عراقی و رسول اکرم(ص) در میدان جنگ» تألیف دکتر حمیدالله حیدرآبادی - مقیم پاریس - که پس از ویرایش کامل، همراه با دو مقدمه تقدیم خوانندگان گردیده است.

بخش اول این کتاب که اصل آن به زبان انگلیسی نگاشته شده است، حاوی تحقیق دقیق و مبسوطی است که با استناد به مدارک موثق و روشن در زمینه جنگ و صلح، طبق قوانین و مقررات اسلام تألیف شده است. مؤلف در مقدمه کتاب می‌نویسد: «مقصد و هدف بحث حاضر، تنظیم و احیای نظریه اصولی قضایی اسلام و همچنین بحث و فحص درباره قوانینی است که بر روابط بین ملل اسلامی با ملل غیرمسلمان حکومت دارد و...»

این بخش از کتاب که با مقدمه‌ای درباره جنگهای صدراسلام و جنگهای دیگران شروع می‌شود، از سه عنوان اصلی «مقاصد اساسی قانون اسلام»، «قانون جنگ»، «قانون صلح»، و «۲۳ بخش تشکیل شده است.

بخش دوم این کتاب نیز با مقدمه‌ای درباره دکتر حمیدالله حیدرآبادی و آثار او آغاز می‌شود و مشتمل بر هشت فصل است:

## معرفی کتاب «جمع پریشان»

حج زبان گویای اسلام مرحوم فلسفی، گزارشی از حج ۲۵، گزارش اجمالی عمره ۲۵، نقد و بررسی پاره‌ای از مسائل مناسک، دو رساله در مناسک حج از شهید اول، سه رساله در مناسک حج از شهید ثانی

## بخش دوم- حوزة

حوزة جبل عامل، شکوه فراموش شده، اصلاح حوزة‌های علوم دینی از علامه سید محسن امین، حوزة در گذشته و حال، آشنایی با مرکز تدوین و نشر متون درسی حوزة (متون)، متون درسی حوزة و دغدغه‌های تغییر، مدیریت تحول در حوزة‌های علمیه، پژوهش‌های ترائی، نشر دینی، کتاب و کتاب‌خوانی در حوزة

## بخش سوم- روحانیت

تأثر المحقق الکرکی بالشهید الأول و تأثیره علی الشهید الثانی، بعض أخطاء مصادر ترجمة الشهيد الثانی، برکت تألیفات شهیدین، نامه‌ای از پدر شیخ بهایی خطاب به شهید ثانی، رساله فی تراجم علماء البحرين، برگی از زندگی سید جمال‌الدین اسدآبادی، سه مکتوب از آخوند خراسانی درباره‌ی آیت‌الله بروجردی، آیت‌الله حائری در آینه دانشوران، سیره علمی علامه بلاغی، خلاصه‌ای از زندگینامه خودنوشت علامه سید محسن امین عاملی، التعایش و الحوار الفکری بین علماء الخاصه و العامه، السید شرف‌الدین نموذجاً، السید هبه‌الدین شهرستانی و جهوده فی موضوع رویه الهلال، امام موسی صدر و انسجام اسلامی، استاد شهید مطهری و راه‌های کارآمدی حکومت اسلامی، ویژگی‌های استاد محمد باقر محمودی، استاد دوانی، روحانی موفق

انتشارات نشر دانش حوزة در قم این کتاب را در سال ۹۱ در هزار نسخه و به قیمت بیست هزار تومان به بازار عرضه کرده است.

توضیحات مقدماتی، بدر یکی از اگرهای تاریخ، احد، جنگ خندق، فتح مکه، جنگهای حنین و طایف، جنگ با یهودیان، اکتشافات نظامی در زمان پیغمبر(ص)

## عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن

تألیف: جان دیون پورت

ترجمه: سیدغلامرضا سعیدی

به کوشش و مقدمه: استاد

سیدهادی خسروشاهی

ناشر: کلبه شروق

چاپ اول: ۱۳۹۱

۳۷۵ص-۸۰۰۰ تومان

جان دیون پورت در سال ۱۸۶۹ میلادی کتابش را در لندن به چاپ رساند و مرحوم سیدغلامرضا سعیدی ترجمه فارسی آن را در سالهای ۱۳۳۴ و ۱۳۳۸ در تهران منتشر ساخت و اینک این کتاب، به ضمیمه دو کتاب دیگر: توطئه خاورشناسان از مارگرت مارکوس و پیشرفت سریع اسلام از دکتر واگلیری، به تناسب موضوع در یک جلد و پس از ویرایشی دقیق و کامل، به عنوان یکی از آثار استاد سعیدی در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

این کتاب در سه بخش سامان یافته است.

بخش اول ترجمه کتاب جان دیون پورت (عذر تقصیر...) است که در چهار فصل زیر تدوین یافته است: زندگانی محمد(ص)، قرآن و اخلاق، رد تهمت‌ها و زیباییهای قرآن. بخش دوم تألیف بانو مریم جمیله (مارگرت مارکوس آمریکایی یهودی سابق) است که مطالعه این کتاب توطئه خاورشناسان مسیحی و یهودی را روشن می‌سازد و توضیح می‌دهد که برخی در پناه عنوان «علمی» خاورشناسی چه جنایتها و خیانتها مرتکب می‌شوند. بخش سوم هم نوشتاری از خانم دکتر لورا واکسیا والگلیری درباره علل پیشرفت سریع اسلام است. وی پروفیسور ادبیات عرب و استاد تاریخ تمدن اسلام در دانشگاه ناپل ایتالیا است.

## معرفی مجله رساله التقرب

شماره ۹۱ نشریه «رسالة التقرب»، از سوی مجمع جهانی تقرب مذاهب اسلامی و زیر نظر آیت‌الله تسخیری، با مطالب زیر منتشر شد:

محمدباقر الصدر رجل التنظیر و التریبه و الجهاد، القراءه الجدیدة للقرآن و النصوص الدینیة (حسن الجواهری)، الصحوة الاسلامیة مبادئها...

اولیایها (طالب حسین الخزرجی)، الصحوة الاسلامیة العالمیة و الحراک الجدید (علی رمضان الوسی)، العرفان فی تراث البهائی (سیدهادی خسروشاهی)، ثلاثة عقود من التطورات الفکریة فی ایران (محمدرضا وصفی)، المبادی المؤسسة للسياسات الشرعیة (محمدرضا رضوان طلب)، الامام الشهید محمدباقر الصدر فی سطور، حركة التاريخ فی فکر الامام محمدباقر الصدر

(محمدعلی آذرشب)، اطروحه مجتمعا فی فکر و تراث الشهید السیدمحمد باقرالصدر (السید منذر الحکیم)، الامام الصدر و المذهب الاقتصادي الاسلامی (محمدعلی التسخیری)، منابع القدره فی الدوله الاسلامیة (محمدباقر الصدر)، الشهیده بنت الهدی... نور خالد و جهاد شامخ، آن الاوان لوحده الامه الاسلامیة (محمد الغزالی)، وحده المسلمین فی مواجهه الهادیة المعاصره (عبدالرحیم علی ابراهیم)، من آثار التقرب (احمد کفتارو)، نص رساله الامام الخمینی الی غور باتشوف قبل تفکک الاتحاد السوفیتی، الامام الخمینی...

الاتحاد السوفیتی، الامام الخمینی...  
الاسلام الحی، الفهرس الموضوعی لرساله التقرب من العدد ۸۱ الی ۹۰، مؤتمر التقرب بین مذاهب الاسلامیة - کولومبو - سیریلانکا، آیت الله التسخیری یستقبل و فدا اعلامیا مصریا، ملتقى الاسره و مکانتها السامیه فی الاسلام زاهدان، ملتقى ألوحده الاسلامیة الدولی اسلام آباد پاکستان.